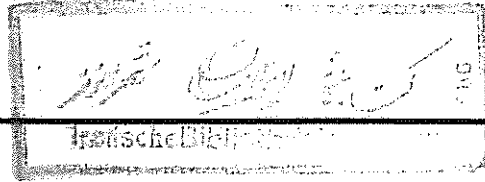
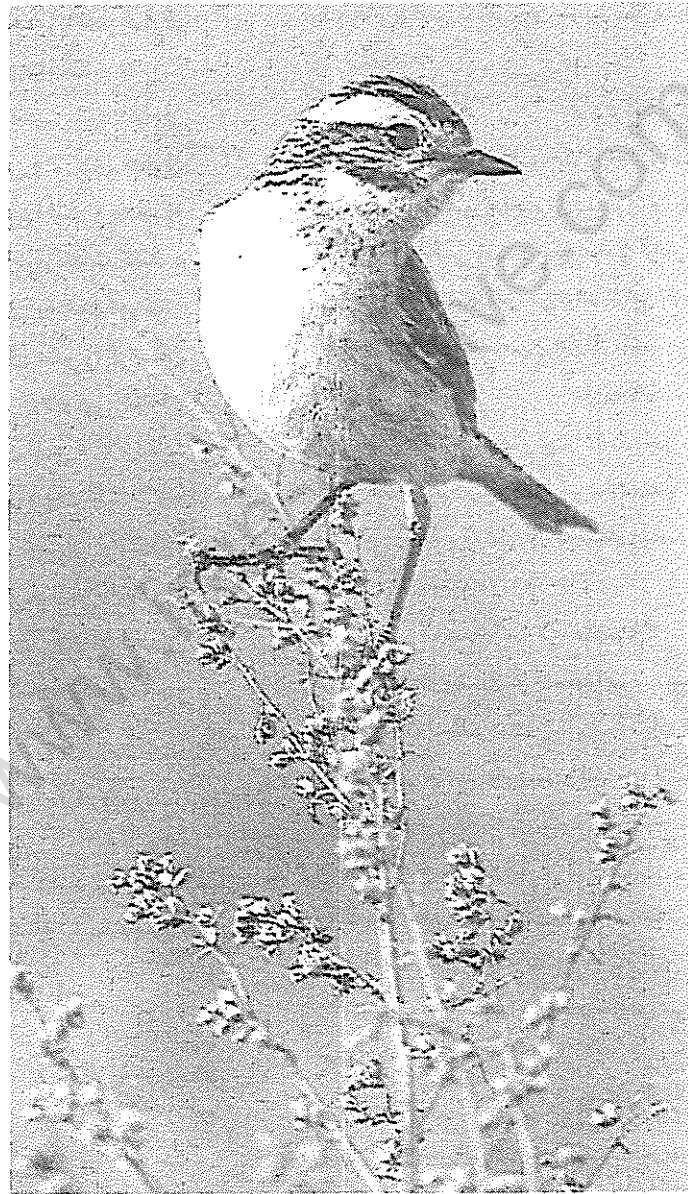


4-1-99



بهار ایران

سال چهارم - شماره ۱۴ پائیز ۱۳۷۷



"دهم سپتامبر پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر گرامی باد."

مقدمه:

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بیشتر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارق باشند بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام داشت.

از آنجا که مردم ملل مختلف، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجددا در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند. مجمع عمومی این اعلامیه حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع، این اعلامیه را دائما در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چسه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایایی که در قلمرو آنها می باشد تأمین گردد.

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرنند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۵

احدی را نمی توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده ۱۲

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مورد اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۴

(۱) هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.
(۲) در موردی که تعقیب مبتنی بر جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی توان از این حق استفاده نمود.

ماده ۱۸

هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل آزادی تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می تواند از این حقوق منفردا یا مجتمعا بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار باشد.

ماده ۱۹

هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده ۳۹

(۱) هرکس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.
(۲) هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود، فقط تابع محدودیت هایی است که بوسیله قانون، منحصرا به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.
(۳) این حقوق و آزادیها، در هیچ موردی نمی توانند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۳۰

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حتی برای دولتی و یا جمعیتی یا فردی باشد که بموجب آن بتوان هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیت بنماید.

بهار ایران

کانون پناهندگان ایرانی - هلند

سال چهارم - شماره ۱۴ پانیز ۱۳۷۷

فهرست مطالب و همکاران این شماره :	
۲	الف. آینده
۴	م. ح. پیوند
۷	کزیده هایی از اخبار و گزارشها
۱۰	هیما
۱۱	خلاصه برداری
۱۷	ر. ناهید
۲۰	م. ح. پیوند
۲۲	عباس -ر
۲۳	مارجوری آگوسن
۲۴	افسانه پروین
۲۵	م. ح. پیوند
۲۸	عباس -ر
داخل جلد	۱۳- اصل مقاله ترجمه شده به زبان هلندی

۱- بهار ایران نظرات و دیدگاههای مختلف را در چهارچوب سالم سازی برخورد آراء و عقاید و ارتقاء فرهنگ دموکراتیک بین افراد و نیروها درج می نماید.

۲- از درج مطالبی که در ترویج فرهنگ استبدادی و وابسته و بطور مشخص مطالبی که در حمایت از رژیم حاکم بر میهن و نظام سلطنتی باشد، خودداری می کنیم.

۳- مسئولیت هر مطلب به عهده نویسنده آن می باشد و چاپ مقالات و مطالب به معنی تأیید(یا رد) نظرات و دیدگاه های مطرح شده در آنها نیست.

استقلال فرد و جامعه

﴿الف. آینده﴾

جریاناتی که به عنوان مخالفان نظام مستبد قد علم می کنند آثانی هستند که در برخورد با قدرت حقیقان و سانسور حاکم، از امکانات نسبی برخوردار هستند تا بتوانند خود را مطرح کنند و زیر فشار سرکوب نظام نابود نگردند. و جالب توجه آنست که آن بخش از مخالفان که به برخورد های غیر دموکراتیک در میان نیرو های مبارزدامن می زنند، حتی گاهی قبل از قرار گرفتن در موضع اپوزیسیون، مسئولیت حفظ بخشی از نظام مستبد را به عهده داشته اند و یا نقطه نظرات و دیدگاه هایشان در بستر نظام موجود می توانسته رشد نماید. از اینرو گرایشات آنان به معیار های حاکمیت بیشتر نزدیک است تا به خواسته های پایه ای مردمی. به بیان دیگر وقتی قدرت حاکم در بالای هرم جامعه و در صددیت با منافع عموم قرار دارد و در نتیجه با بی اعتمادی مردم مواجه شده و موضوع دفع و سرنگونی او مطرح می گردد، اولین نیروی مخالف و قدرتمند بعد از او لایه بعدی هرم است که البته از حاکمیت جداست، ولی باز هم فاصله زیادی با لایه های زیرین جامعه و اکثریت توده ها دارد و طبیعا به برهم خوردن کامل نظام و زیر و رو شدن اساسی آن در جهت خواسته های همه اشرار جامعه، به راحتی تن نخواهد داد.

این فرمول در شرایط جابه جا شدن نظام های دیکتاتوری با یکدیگر و عوض شدن یک نظام دیکتاتور با نظامی که وعده کم شدن فشار ها را می دهد (کمتر دیکتاتور است!)، صادق می باشد. اما اگر بتوان شرایطی را متصور شد که دیگر مردم به روی کار آمدن دیکتاتوری جدید تن در ندهند و همه امکانات و تلاش خود را برای نابودی کامل و همیشگی حاکمیت ستم و نا برابری بکار گیرند، طبیعا باید بتوانیم فرض کنیم که تک تک افراد و یا حد اقل بخش عظیمی از آنان، میزان مورد لزوم از توانایی ها

تکاملی در جامعه، او را به سمت رشد آگاهی ها و کشف توانایی هایش به جلو می برند، که در مقاطعی از تاریخ هر جامعه، انفجار ناشی از انباشته شدن همین درک ها، محدودیت های تحمیل شده را به عقب رانده و باعث تحولاتی موثر گردیده است. به عنوان نمونه می توان از جایگاه ولایی که آزادی بیان، اظهار نظر و سایر آزادی های فردی، در تعداد قابل توجهی از کشور های جهان بدست آورده، نام برد.

پس از هر واقعه تاریخی که منجر به رسمیت یافتن ارزشی از نوع بالا گردیده، تجربه هایی در جامعه باقی می ماند که کمک می کند تا تحول بعدی سریع تر به وقوع بپیوندد و از آنجا که این گونه وقایع به دفعات نامحدود نمی توانند تکرار گردند بالاخره باید انتظار داشت زمانی، که چندان دور هم نیست، نوع بشر به کیفیتی چشمگیر در سیادت عنصر آگاه و پیشرو در جامعه، نایل آید.

اگر از این زاویه به وضعیت ما ایرانیان بنگریم می بینیم که ما با توجه به شرایط حاکم بر جامعه ما به شکلی مضاعف با مشکلات آن دست به گریبان بوده و هستیم. به این صورت که قرن هاست نه تنها از طرف حاکمیت های دیکتاتور به تحقیر و پایمال شدن ارزش های انسانی مسان میادرت شده، بلکه در هر دوره، همزمان در درون جبهه مبارزه کنندگان با نظام های مستبد که در واقع جبهه مدافعان ارزش های انسانی به حساب می آید نیز دانشا از جدایی افکنی های نا روا، تزییغات مخرب و بی احترامی های ضد ارزشی در امان نبوده ایم.

مهم ترین علت این دسته از مشکلات آن است که به طور کلی در شرایط وجود حقیقان در هر جامعه ای امکان ارتباطات آزاد، شناسخت متقابل و احیانا تعیین جایگزینی مورد قبول در قبال نظام های دیکتاتور حاکم برای مردم فراهم نیست، در این وضعیت عموما افراد یا

انسان قادر است در قبال هر اقدامی با آزادی و آگاهی کامل انتخاب و تصمیم گیری کند. می تواند به طور مستقل و باتسلط نسبت به هر گونه اعمال نفوذ عوامل پیرامونش خوب وید مسایل را در نظر بگیرد و در قبال آنها موضع گیری نماید. برای تحقق این مهم، داشتن اطلاعات لازم، مجهز بودن به روش ارزیابی و شناخت، و بالا تر از همه فراهم بودن امکان اجتماعی مورد نیاز برای به برخورد گذاشتن جنبه های اجتماعی نقطه نظرات، از اهمیت بسیار برخوردار است.

تقریبا تمامی تاریخ زندگی بشر حکایت از خلا عظیم و البته نا روا در زمینه احترام به توانایی های انسان و پذیرش استقلال او در تنظیم رابطه آگاهانه و آژادانه در قبال مسئولیت های اجتماعیش دارد. گذشته از واقعیت رشد که باید سیر تکمیلی خودش را طی نماید تا نوع انسان به مرحله ای برسد که بتواند تسلط مورد نظر را کسب کند، عوامل بسیاری نیز همواره سعی نموده اند به روش های گوناگون نقش او را در جهت عکس این مضمون سوق دهند. از جمله با بوجود آوردن وابستگی های استعماری، اعمال زور و استبداد در جامعه، فریب افکار عمومی بوسیله تبلیغات و برنامه های مخرب و غیره و غیره، همگی باعث اختلال در شناخت اصولی انسان، مخدوش شدن ارزیابی او از میزان توانایی اش برای کنترل امور مربوط به خویش و دور ماندن از انجام مسئولیت های طبیعی اش گردیده اند.

با این همه، گرایش به سمت کسب موضع مستقل و مسئولانه در عنصر انسانی و دخالت دادن آن در روابط اجتماعی مسیری صعودی طی می نماید، زیرا در مقابل محدودیت های ذکر شده، عوامل محرکه درونی انسان که خواهان تحقق احترام به شان و مقام انسانیت هستند، در جریان برخورد و تاثیر متقابل با دست آورد های

را کسب کرده باشند تا بتوانند برنامه های اساسی جهت ایجاد و حفظ سیستم آزاد و مترقی را طراحی کنند، ره کدام چه در روابط جمعی و چه در موضع فردی، بر اساس درک مستقل خود حافظ آزادی و استفاده کننده فعال از آن باشند، و اجرای این مهم را به دقت و با هوشیاری پیگیری نمایند. در آن صورت می توان گفت که در چنین وضعیت مفروضی مهمترین عامل عنصر انسانی آگاه، رشد یابنده و دارای استقلال در رای و شناخت می باشد. حال اگر سیر فرض ها را برعکس مطرح کنیم، می توان گفت که تنها در صورت فراهم شدن امکان تربیت این گونه عناصر در یک جامعه، می توان از امید برای دست یابی به نظامی آزاد و روبه رشد در آن جامعه صحبت نمود. و بر این مبنا در جبهه مبارزه با مجموعه ضد مردمی حاکم بر ایران نیز تربیت عناصر مجیز به استقلال رای، مترقی و آزادی خواه، ضرورتی بسیار اساسی است، که تغییر و تحولی جلی و مسئولانه را در زمینه همکاری های واقعا دموکراتیک در بین نیروهای مخالف رژیم طلب می کند.

در رابطه با اهمیت و نقش عنصر مستقل در عین حال لازم است توجه شود که از یک طرف فعالیت اجتماعی سازنده و زندگی موفقیت آمیز توأم با آگاهی و آرایش برای زندگی انسان، ایجاد می کند که بر اساس مجموعه اعتقادی مشخص و نگرش هم آهنگ نسبت به جنبه های مختلف امور، برنامه های عملی خود را تنظیم کند، تا بتواند در مواجهه با ناهنجاری ها و مشکلات روز افزون، برای جلوگیری از لغزش و انحراف از آن کمک بگیرد. و از طرف دیگر نظام اجتماعی مناسب لازم است تا بتواند شرایط برخورد عملی و رشد طرح های سازنده را فراهم نماید و همواره جایگاه آنها را برسیت بشناسد.

بدلیل اهمیت نقش شرایط اجتماعی، گرایش بر این بوده است که از وارد کردن مقوله استقلال در حیطه تفکر و مسایل فردی پرهیز گردد. از این دید به فرد بعنوان عنصری نگرسته می شود که بیشتر تحت تأثیر محیط پیرامون خویش

است و ابعاد وضعیتی مستقل برای او به سختی قابل تشخیص می باشد. ولی رفته رفته در برخورد با واقعیت های عملی مشخص شده که باید برای یک عنصر اجتماعی و یا یک فرد امکان آن را قائل شد که بتواند معیار هایی تدوین شده ای برای تنظیم روابط خود با پیرامون خویش و دیگر نیروهای اجتماعی، داشته باشد و موضع گیری در قبال حوادث مختلف را بر اساس آن اتخاذ کند و در جریان فعالیت و کنش و واکنش های اجتماعی در جامعه آزاد، این معیار هارا رشد و تکامل دهد. چیزی که به جرات می توان گفت در عمل به غیر از آن هم امکان پذیر نبوده و نخواهد بود. زیرا بررسی نحوه عملکرد افراد در قبال برنامه های جمعی و یا تشکل ها نشان می دهد که هر جا که برای فرد امکان عمل آگاهانه و انتخاب شده، میسر نبوده پیگیری و ایفاء نقش مسئولانه از طرف او کمتر به چشم می خورد. علاوه بر این با یک نگرش عمیق تر باید پذیرفت که این تنها خود فرد است که خصوصا در لحظه های حساس تصمیم گیری می کند و تماما براساس آنچه که خود دقیقا درک کرده و به آن اطمینان کامل دارد، دست به عمل می زند.

این واقعیت را نیز نمی توان نادیده گرفت که در هر دوره و خصوصا در شرایطی که مبارزه برای کسب حد اقل آزادی ها در جریان است، بخشی از جامعه و یا بعضا افراد معینی از آن بر روند تغییر و تحولات در جامعه آگاهی و تسلط بیشتری کسب می کنند. در این مورد این سوال مطرح می شود که جایگاه کسانی که جنبه های اصلی حرکت به سوی پیشرفت و ترقی را در آن شرایط می شناسند و نقش فعال تر و موثر تری می توانند داشته باشند چگونه تعیین می شود؟ عناصری که بعنوان افراد زنده و یا پیشرو تا کنون ظهور کرده اند، معمولا در هر دوره بخش کوچکی از جامعه را تشکیل داده اند و به عنوان و هیران جامعه جلوه نموده اند. نگاهی منتقدانه و اجمالی به تاریخچه نقش این رهبران نشان می دهد که آنان معمولا در عمل، راه پیشرفت و ترقی را عموما منحصر به سیستم

های خاص که خود طراحی نموده اند، دانسته و افراد تحت رهبری آنان کمتر به وجود امکان رشد در خارج از مجموعه خویش اندیشیده اند. که در ادامه کار بعضا به نوعی خود محوری مبتلا گشته و اعمالشان در تقابل اهداف اولیه آنان قرار گرفته است. در حالیکه وجود عناصر با تجربه و پیشتاز که در برخورد با نراز و نشیب ها از خود ایستادگی نشان داده و قادرند راه حل مشکلات را سریع تر بیابند، از ارزش های اساسی یک جامعه به شمار می روند. و اتفاقا همین ها گنجینه های موجود در جامعه هستند که می توانند تجارب و دست آوردهایشان را به صورت طرح ها و برنامه های آموزشی همه جانبه در قبال همه سطوح، برای رشد هنگام در آورده و بدین وسیله نیز بهیتر می توانند بقاء ارزش های خویش و تکامل دست آورد هایشان را تضمین نمایند. و الگو هایی برای نشان دادن نقش عنصر حامل آگاهانه ارزش ها در جامعه خواهند بود.

در جامعه آزاد و در راه توسعه باید هرکس بتواند طرح ها و نظرات خود را به معروض برخورد دیگران بگذارد و به این وسیله امکان تصحیح برداشت های خویش و برطرف کردن اشکالات پیرامونش را بدست آورد. بنا بر این هرکس در درجه اول دارای نظرانی مخصوص به خود در قبال امور مختلف می باشد که بر اساس آنها جایگاه و موضعی معین برای خود در جامعه تعیین می کند. طبیعتا این نظرات جنبه های مشترک و یا متفاوت نسبت به دیگران دارند. اگر ضوابط حاکم بر جامعه امکان برخورد سازنده بین عقاید متفاوت را فراهم کند تعدد هرچه بیشتر عقاید، می تواند سبب رشد سریع تر و بهتر جامعه گردد. با چنین نگرشی می توان امکان وجود برنامه های مستقل و مبتنی بر عقاید مشخص در کنار یکدیگر و و تاثیر آنها در اداره و پیشبرد امور جامعه و خلاصه امکان حفظ احترام نسبت به استقلال هر دستگاه فکری را روشن نمود.



استبداد مبنای اعتقاد به ولایت

فقیه

م. ح. پیوند

حاکمیت پدیده ضد انقلابی و ضد مردمی ولایت فقیه تمامی آرزوها و امیال انقلاب مردمی ۲۲ بهمن به سراب و استخاره تبدیل شد. حال مردم ما با نوع جدید حیلہ گری و توهم سازی در قالب آخوند خیانتکاری بنام خاتمی روبروست. تاکید و تکرار نام شیاد مدره دربار (مقام معظم رهبری) خاتمی از آنجهت اهمیت دارد که مردم ما همواره قربانی توهم و حیلہ گری امثال او بوده وهست. انقلاب ما بکلی از بنیاد به انحراف کشیده شد و ولایت فقیه آن را به قربانگاه برد. به کار بردن حتی کلمات و اصطلاحات دو جنبش مشروطه و نهضت ملی از جمله جامعه مدنی در چهارچوب چنین دستگاه مخوف و ضد خلقی آئیم از زسان آخوند و فسادار دربار ولایت، به جرئت، خیانت و جنایت مضاعف است که اکنون سید خندان خاتمی نمایندگی چنین خیانتی را به عهده گرفته و تمامی دشمنان انقلاب مشروطیت و نهضت ملی چنین نماینده ای را در محاصره حمایت رسانه ای و تبلیغی قرار داده اند. در عصر قاجار و پهلوی دزدان و تبهکاران حاکم از بیداری مردم سخت هراس داشتند و پادشاهان قاجار کارها را اعم از سیاسی و غیرسیاسی بسا استخاره برگزار می کردند بطوریکه گویند مجموعه استخاره هایی به خط محمد علیشاه باقی است. در عصر مشروطه یک روحانی ضد مشروطه استخاره به توپ بستن مجلس را می سازد و در جواب به محمد

خمینی آن اوایل صحبت از مجلس مؤسسان داشت ولی بعد معنی سیاسی آن را فهمید و با به او فهماندند که در این صورت تصمیم فردی و مطلق غیر ممکن است تا اینکه «مجلس خیرگان» را ابداع کردند و ذنیت ولایت مطلقه فقیه را بر مردم و اندیشه آنها القا کردند.

جامعه مدنی - ولایت فقیه؛

جامعه مدنی، تاریخی به قدمت اولین چرای؟ انسانها برای بقای اندیشه آزاد خود دارد و اجتماعی شدن آن را شاید بتوان به عصر انقلابات اجتماعی در کشورهای مختلف از جمله انقلاب کبیر فرانسه و در جامعه ما عصر انقلاب مشروطه مربوط دانست در انقلاب مشروطه پایه های مدنیت، قانون و دموکراسی در ذهن توده ها تا حدی اجتماعی شد و تلاش برای نهادینه شدن آنها و توسعه های اقتصادی و سیاسی همچنان و بی وقفه در ایران ادامه دارد. اما چنین جامعه ای احتیاج به یک سری پایه ها و بنیادهای اساسی دارد که در کشور ما بعد از خیانت شاهان به انقلاب مشروطه و دستاوردهای نسبی آن و خیانت استعمار، دربار پهلوی و آخوندهای حامی آنها به نمونه بارز تلاشگر جامعه مدنی یعنی مصدق، قادر به شکل گیری نشد. تمامی آرزوها در انقلاب ضد سلطنتی ۲۲ بهمن این بود که بشود میراث و دستاوردهای انقلاب مشروطه و نهضت ملی دوره مصدق احیا گردد تا جامعه ایران آرامشی توأم با آزادی و رفاه را بعد از سالیان دراز لمس کنند اما با

بعد از انتصاب خاتمی برای رأی گیری در دوم خرداد ۷۶، مهمترین و به لحاظی سرنوشت سازترین رأی گیری برای انتصاب شونندگان مجلس سنای ملایان بنام «مجلس خیرگان» در اول آبان ۱۳۷۷ برگزار شد. اساسا به کاربردن انتخابات در چهارچوب ولایت فقیه خطای بزرگ ایدئولوژیک سیاسی و نوعی اهانت به توده های مردم است. در جوهر و محتوا، انتخابات خیرگان هیچ فرق کیفی با انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ویا دوره های قبل ندارد. همه چیز در چنین دستگاهی انتصابی است و بقیه داستان، بازی با کلمات و سرگرمی خیانت بار برای مردم دریند ملایان است. فرهنگ القایی توأم با انحصارطلبی در هر قالب و محتوایی توده ها را در معرض یک انتخاب جدی و نهایی قرار می دهد. در دوره پهلوی القای تجددمایی با محتوای استبدادی و در دوره ولایت فقیه القای اطاعت گری و القانات مشتملکننده دیگر، جامعه را در ورطه سقوط و در مسیر انتخاب نهایی قرار می دهد. از طرف دیگر چنین مشی و روش اداره کشور از عوامل بنیادین سرنگونی رژیمها نیز هست. به قول معروف «میان آب از دست رفته و سراب بدست نیامده» چاره وراهی جز عصیان باقی نمی ماند. عصیان برای گشودن مسیری که در آن آزادی بیان و اندیشه جای تلقین، القا، و تحمیل فکری را گرفته و به جولان تفکر میدان داده شود.

مهدوی کنی در نماز جمعه ۱۷ مهر گفت «ما می‌گوییم مسئولیت اصل است و آزادی را نباید به حداقل رساند که مسئولیت از بین نرود».

علی‌شاه می‌گوید: «این کار باید انجام شود. غلبه قطعی است اگر چه زحمت در اول داشته باشد»^۱.

حال منجی ولایت فقیه با کاربرد کلمات برجای مانده از مشروطیت و نهضت ملی دکتر مصدق، لابد استخاره به توپ بستن مردم را می‌خواهد جواب دهد. خاتمی در پیام بازهم توهم شکن خود در رادیو وتلوویزیون رژیمش ۲۵ مهر، مردم را به حضور پرشور و اشتیاق در انتخابات مجلس خیرگان فرا خواند و در بخشی از پیامش گفت: «مصدق بارز اسلامیت نظام، رهبری است. بنابراین مجلس خیرگان یکی از نقاط بسیار مهم تجلی اسلامیت و جمهوریت نظام است» ولی مردم ما آن سراب بدست نیامده از انقلابهای گذشته مان بویژه انقلاب ۲۲ بهمن را با توپ بستن کلیت دستگاه جهنمی رژیم ملایان به واقعیت تبدیل خواهند کرد. خاتمی با تبلیغ جامعه مدنی می‌گوید: «مبنای نظام ما ولایت فقیه است و این تنها یک بحث تشویریک نیست بلکه در قانون اساسی هم هست»^۲. با این اعتقاد به یقین میشود گفت که منظور استخاره چی دربار ولایت فقیه «آقای خاتمی» جامعه مدنی ولایت فقیه‌ی است. و منظورش از قانونمندی و جامعه مدنی در چهارچوب ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی است. قانون اساسی رژیم هم با ستون و عمود خیمه نظام محک می‌خورد.

حذف و اضافه های کاندیداهای (مجلس خیرگان) و سایر انتخابات در این چهارچوب راطیف جدید ولایت فقیه و حامیان استعمارشان به حساب جامعه مدنی می‌گذارند. رئیس شایان و دغلكاران خاتمی در پیام ۲۵ مهر خود برای تشویق مردم به رأی دادن برای مشروعیت بیشتر «مقام معظم رهبریش» خامنه ای از جمله گلایه مندانه گفت: که شرایط البته برای «رقابت» و «تنوع» کسافی نیست. اتفاقا حامیان استعمارش در رسانه ها نیز همین جمله را گرفتند و در توهین به مردم آن را نشانه مخالفت خاتمی تبلیغ نمودند. اگر خوب دقت شود همین نوع حمایت از خاتمی و انتقاد هم نوعی رأی جمع کردن نیست؟. **بی دلیل نیست که کوراسچی امدادگر غیبی خاتمی در انتخابات ۲ خرداد، شرکت در انتخابات، و مجلس خبرگان را «قلب دموکراسی»^۳ میدانند.** یا وقتی منزل آقای منتظری را چند ماه پیش خراب کردند خاتمی با التزام به قانون اساسی و ولایت فقیه گفت: «دموکراسی یعنی همین». در همین راستاست که ایدئولوگهای متحجر دستگاه ولایت فقیه از جمله مصباح یزدی در سخنرانی ۱۰ مهر خود می‌گوید: «ولایت الهی پس از پیامبران و اولیای الهی به ولی فقیه داده شده تا اختیار امر و نهی کردن بر مردم در جامعه اسلامی مشخص باشد». ولی مردم ما خوشبختانه چنین خیانتگران رمالی را شناخته اند.

چگونه پای گذاری به صرف دعوت شیخ به مسلکی که ندارد مرام آزادی^۴ پاورقی؛

۱- هزار و یک حکایت تاریخی

۲- رادیر رژیم ۷ مهر

۳- رادیر اسرائیل به نقل از کوراسچی ۲۷ مهر

۴- فرخی یزدی

توسعه سیاسی - ولایت فقیه؛

آغاز بحث توسعه سیاسی از جنگ جهانی دوم بیشتر نمود پیدا کرد. بعد از جنگ در مبارزه با قطب شوروی سابق این بحثها جدیتر، مادیت و عینیت یافت و برای اینکه در قطب بندی آن روز جهان، قدرتمداران یارگیری نمایند مسئله توسعه سیاسی- اجتماعی را دامن می‌زدند. توسعه سیاسی به یک لحاظ به این معنی است که تمامی ظرفیتهای و امکانات درونی دولتها گسترش یافته و اجتماعی شوند. اصولا گفته می‌شود بعد از یک سری پیشرفتهای اقتصادی بویژه نظر به دازایی ملی یک کشور، مرحله ای می‌رسد که باید در آن مرحله توسعه سیاسی کشور راه بیفتد و ایران ما، چه بدلیل رشد و آگاهی توده ها و روشنفکران مبارز و چه به لحاظ دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و معادن گوناگون زیرزمینی در چنین مرحله ای جای میگیرد. به یقین می‌توان گفت که به همین دلیل واقعی الان مرحله پیوند توسعه سیاسی و اقتصادی است و پیشبرد یک وجهی این قضیه باعث تخریب و نابسامانی بیشتر در جامعه می‌گردد که ما شاهد چنین رخداد فاجعه باری در کشورمان هستیم و تشدید نیز خواهد یافت. مهمترین مکانیزم توسعه سیاسی ارتقای فرهنگ سیاسی و گسترش آزادی بویژه آزادی بیان در میان اقشار مختلف جامعه است. **آزادی بیان مادر آزادیها است.** اتفاقا ایدئولوژی ولایت فقیه‌ی درست در جبهه مقابل چنین آزادی است و بیشترین درس اخلاق آخوندی توصیه به رستگاری و ترکیه نفس و روح آزادگی و... است. در این ایدئولوژی، آزادگی را آزادی درون می‌خوانند و به همین جهت خود آزادی و معنای اجتماعی آن ممنوع است. مردم ما در سایه حاکمیت شوم چنین حکومت ریاکار و تزویر کاری، با ترس و رحشت و بی اعتمادی لب به سخن می‌کشایند. در این جو ستمکارانه، فریبکار جدید ولایت فقیه

محمد خاتمی در سخنرانی اش در دانشگاه تهران (۷ مهر) از جمله گفت: «وقتی رهبری نظام با عنایت خاصی مطلبی درباره آزادی را مطرح می کنند در واقع جهت انقلاب ما هم مشخص میشود این سخنان نسیم امید بخش و آرامش بخشی بود که در فضای جامعه ما وزیدن گرفت». و در زمان اعدام انقلابی لاجوردی گفت: او «خلمتگنار مردم» و «سرباز سخت کوش انقلاب» بود. در سایه همین توسعه سیاسی جنایتکارانه بود که رسانه های رژیم در ۴ مهر گفتند: از تصویر لاجوردی در خیابان آزادی پرده برداری شد.

از بزرگان ادب ایران نقل می کنند که می گویند: «بدترین حکومت ها آن است که بی گناهان از آن بترسند» و از کنفسیوس حکیم چینی نقل میکنند که: روزی کنفسیوس با یاران از راهی می گذشت، زنی را دید که بر سر گوری نشسته است گفت از او بپرسید که چرا آنجاست؟ زن جواب داد: پدر شوهر، شوهر و پسرم بدست (گرگی) کشته شده اند. گفت پس تو چرا اینجا ایستادی؟ زن گفت: در اینجا حکومت ستمکار نیست. کنفسیوس می گوید: «راست است، حکومت ستمکار سبب تر از (گرگ) است». آری فضای جامعه ما فضای رعب و وحشت و بریدن زبانها و زدن گردنهایست. ما در پیش از انقلاب نیز با مصادیق دیکتاتوری «شاه سایه خدا» روبرو بودیم که خود را قیم مردم و صالح در امر ونهی آنان می پنداشت. پیشینه چنین جنایتی گره خورد با آرزوها و امیال شیطنانی خمینی که دقیقاً در همین راستا بود. «شاه سایه خدا» تبدیل شد به «ولی فقیه نماینده خدا». نکته اینجاست که شاه سایه خدا نیز واژه ای بود که قطعاً همین روحانیت و حوزه نشینها در ذهن شاه با قدرت طلبی اش گره داده بودند.

«جوهر لعل نهر» آن مصلح هندی بعد از جنگ جهانی دوم که تحرکاتی در شرق پیدا شده بود می گفت: «بادهای تند بر آسیا وزان است». حال نیز بعد از گذشت دهها سال بادهای تند و قابل تعمق در سطح جهان، منطقه و بویژه میهنمان ایران «وزان» است و به حق،

خلق ما حق دارند تلقی نریسی در اداره کشور در پیش گیرند و جهات حیات بخش زندگی خویش را انتخاب نمایند ولی در جامعه فقیه گزیده ما عقل و کاربرد آن در حقیقت زندانی است. جامعه در طول تاریخ توسط مستبدین شاه صفت و آخوندهای شاه پرور و حالا تحت حاکمیت پدیده ولایت فقیه به میدان تزویر و حیل گری تبدیل شده و باد بر بیوق تزویر و اضداد عقل و هوش به وزین آمده است.

گویند فردی سرش را داخل جوی آبی گذاشته و آب می خورد. شخص دیگری که از آنجا می آید «برای معنی بخشیدن به تغییرات عظیم کنونی اگر بخواهیم به شیوه ای راهبردی درباره آنها بیندیشیم به چیزی بیش از تصویری فراگیر از تمدن نوینی که هم اکنون در سراسر سیاره ما در حال گسترش است ارائه نماییم» ۲.

گذشت گفت: اینطور آب نخور هوش ات کم میشود. خورنده آب جراب داد: «هوش چیه» آن شخص دید که با چنین کسی جای هیچ نوع گفتنی باقی نیست گفت: «بخور هرچه دلت می خواهد بخور» ۱. آری باید آرمان پروری انسان در مسیر عقلانی و در یک جامعه مدنی مبتنی بر حاکمیت عقل و حرد جمعی حرکت نماید در غیر اینصورت استبداد نعلینی در پوش شعار مدنیت در نفی عقلانی گری روضه خوانده و خواهد گفت و می گوید: «هوش چیه».

مهلوی کنی در نماز جمعه ۱۷ مهر گفت «ما می گویم مسئولیت اصل است و آزادی را باید به حناقل رساند که مسئولیت از بین نرود». سؤال اینجاست که اینهمه «فرمایش» و روضه خوانی کافی نیست که بگویم مقوله ای بنام انتخابات با هر نام و هر عنوانی در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی ایران، ضد مردمی و ضد مصالح ملی است؟

با ورود خاتمی استخاره چی دربار خامنه ای به صحنه سیاسی ایران جبهه استعمار و استحاله به تبلیغات غیرواقعی و ضد مردمی خود افزودند که ادامه دارد و گاه گفتند او رفیسی به سبک گوریانچف انجام خواهد داد.

«گوریانچف» در برنامه ای که در ماه مه ۱۹۸۸ در کنفرانس بزرگ حزب کمونیست شوروی، مرکب از ۵ هزار نماینده عرضه کرد اظهار داشت: «تصد دارد که اتحاد جماهیر شوروی را به کشوری واجد حق تبدیل نماید که در آن قانون که مبین اراده مردم باشد مستولی و فائق خواهد بود». ۱. یعنی اینکه پس از ۷۰ سال هنوز حکومت قانون و حق در آن کشور برقرار نبوده است. بدون اینکه وارد مقایسه علل و انگیزه گوریانچف و وضعیت عمومی و ساختاری ایران و شوروی شویم کافست بگویم که پس از ۲۰ سال جنایت و آزادی کشی در جامعه مدنی ایران همان وزیر ۱۱ ساله دستگاه ولایت فقیه، چرا صحبت از آزادی و جامعه مدنی می نماید؟

پاورقی:

۱ - اندیشه ها را بشناسیم

توزیع قدرت - ولایت فقیه:

در سیر نظریات جدید جهانی قدرت مفهومی اساسی دارد. چیزیکه روابط سیاسی انسانها را از روابط دیگر آنها متمایز می سازد قدرت است. از دیدگاه علم سیاست این مفهوم قدرت در جامعه ای جای معنی را باز می کند که در آن محلی برای مبارزه احزاب، سندیکاها و از واژه های دوزبان انقلاب شورواها در میدان مبارزه حاضر باشند. قدرت را به دلیل سیر حاکمیت استبداد در جامعه ایران همیشه در بُعد منفی معنی کرده اند که به یک لحاظ منطقی و خردگرایانه است. در کشور ما و در شرایط فعلی حاکمیت، قدرت به جز همان معنی قدرت طلبی برای سرکوب و استبداد و خودرأیی حاکم بر کل جامعه چیز دیگری نیست ولی در جامعه دموکراتیک و حاکمیت احزاب، مسلماً توزیع قدرت نسبی در چهارچوب تنوع و کثرت طلبی خواهد بود در اینصورت قدرت معنای منفی بر جای مانده در ذهنها را منعکس نخواهد کرد و معنای خضرت

گزیده هایی از:

الخبیر



گزارشها

جنگ قدرت جناح های

رژیم

رادیو اسرائیل ۱۸ آبان؛

روزنامه نگاران آزادشده از بازداشت که وابسته به روزنامه توس و جامعه بودند امروز در سخنانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر) تهران از حجت الاسلام خاتمی خواستند اگر به شعارهای خود مبنی بر برقراری جامعه مدنی صادق است دست از حرکتیهای ژلاتین گونه خود، به توصیف این روزنامه نگاران بردارد و قاطع باشد. آقای حمیدرضا جلابی پور مدیر مسئول روزنامه توس خطاب به حجت الاسلام خاتمی گفت؛ یا پای شعار جامعه مدنی خودتان بایستید یا با مردم صادق باشید و بگویید یک شوخی کرده اید که تمام شده است... روزنامه «ایران» چاپ تهران امروز نوشت: سفر آقای کرباسچی به کانادا بحث هایی را در میان محافل سیاسی و افراد حکومت برانگیخته و این پرسش مطرح است که با توجه به موارد اتهامی علیه وی در دادگاه، او چگونه به این سفر رفته و از ایران خارج شده است... آقای بیمن کشاورز وکیل مدافع آقای کرباسچی گفت؛ موکلش با گرفتن مجوز قضایی از مقامات رژیم به سفر کانادا رفته و حتما به ایران باز میگردد.

رادیو رژیم ۲۲ آبان؛

.. همکاری دولت و مجلس و نشست مشترک آنها(را) می توان الگویی برای همه جناحهای سیاسی دانست که در این مسیر مهم گام بردارند تا بحث و گفتگو را برای نهادینه شدن

فعالتهای سیاسی جایگزین روشهای دیگر سازند.

رادیو اسرائیل ۲۳ آبان؛

سلام در ادامه هشدارهای غیرمستقیم خود تهدید کرد که اگر جناح راست مشکلات اقتصادی را فقط گردن دولت آقای خاتمی بیندازد ممکن است قیامی از طرف مردم انجام شود که انقلاب و نظام اسلامی را از میان بردارد و جناح راست هم نابود شود. سلام نوشت؛ از کسانی که به حفظ نظام و انقلاب فکر می کنند انتظار می رود برخورد با دولت آقای خاتمی قضارتی منصفانه داشته باشند... .

رادیو اسرائیل اول آذر؛

(پس از حمله به اتومبیلشان) اعضای هیئت امریکایی تصمیم گرفتند پیش از موعد خاک ایران را ترک گیرند. حضور هیئت ۱۳ نفره امریکایی در ایران روز گذشته در گزارشهای کوتاه چند روزنامه تهران افشا گردید... روزنامه کیهان تهران در شماره امشب خود خبر داد که روز گذشته گروهی افراد با دادن شعارهای مرگ بر امریکا به اتومبیل اعضای هیئت امریکایی در برابر هتل استقلال در شمال تهران حمله بردند و شیشه های آن را شکستند... وزارت خارجه حکومت اسلامی روز گذشته از حضور هیئت امریکایی در ایران ابراز بی اطلاعی تام کرده بود. به نوشته روزنامه کیهان این تکذیب درحالی انتشار می یابد که مقامات وزارت خارجه و یوسیو بخش تشریفات آن وزارتخانه، دیدارهایی برای میهمانان امریکایی با یکی از وزیران، یک معاون وزیر و یکی دیگر از شخصیتهای بلند پایه حکومت که نامشان برده نشد ترتیب داده بودند.

بی بی سی دوم آذر؛

... «گاری سیک» با توجه به قتل داریوش فروهر و همسرش، دستگیری یکی از اعضای بلندیابه نهضت آزادی ایران و حمله به گروهی از امریکاییان، روز گذشته را یکشنبه خونین نامگذاری کرد. وی گفت این حوادث آقای خاتمی را مستقیما به مبارزه می طلبد... مشاور

سابق امنیت ملی امریکا در ادامه گفت؛ آقای خاتمی رئیس جمهور و اعضای دولت وی تا کنون از واکنش محکم به اعمال شدید مخالفان محافظه کار خود احتراز کرده اند. حال واکنش آنها در برابر حوادث اخیر در روند اصلاحات سیاسی و ما جهتگیری جو سیاسی درونی ایران در آینده موثر خواهد بود.

بی بی سی ۱۵ آذر؛

... روزنامه خرداد به مدیریت عبدالله توری امروز دومین شماره خود را منتشر کرد... عنوان اصلی شماره امروز خرداد «تشکیل تازه ای» است که از امروز بنام «جبهه مشارکت ایران اسلامی» اعلام وجود کرده است... کیهان در ستون طنز خود اظهار کرده که این همان حزب کارگزاران سازندگی است.

خبرگان ولایت فقیه

رادیو فرانسه ۲۴ مهر؛

در واکنش به انتقادات برخی از جناحها در حکومت تهران به سیاست شورای نگهبان و نگرانی نسبت به عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات مجلس خبرگان، تبلیغات شدیدی در جهت تشویق مردم به شرکت در انتخابات آغاز شده است. آیت اله فاضل لنگرانی از جناح محافظه کار عدم شرکت در انتخابات را یک گناه نابخشودنی و یک خیانت دانست. *صلواتسیمیای جمهوری اسلامی ایران تبلیغات بی سابقه ای را در این جهت برنامه ریزی کرده است و از جمله جایزه ای برای بهترین شعار و فراخوان به شرکت در انتخابات تعیین کرده است...* (مهدوی کتی امام جمعه وقت تهران) آزادی را ابزار مسئولیت خواند و گفت انتخابات و انتخاب کردن یک امر طبیعی است و انتخاب حق است ولی در حوزه مذهبی، انتخاب محدودیتهایی دارد و فرق مهم این است که واجب است که انتخاب کنید... یادآوری می کنم از ۳۹۶ نامزد نمایندگی در مجلس خبرگان تنها ۱۶۷ نفر از سوی شورای نگهبان صالح دانسته شده اند... صلاحیت اکثر نامزدان هوادار رئیس جمهور، ۹ تن زن و حدود ۴۰ تن شخصیت

دانشجویان حزب اله نیز دیروز با انتشار گزارشی اعلام داشتند که جایزه قتل سلمان رشدی ۳۳۰ هزار دلار دیگر افزایش یافته است که مبلغ یادشده از سوی سازمان دانشجویی حزب اله به حساب هرکس که فتوای آیت اله خمینی را به اجرا بگذارد واریز خواهد شد.

رادیو اسرائیل ۲۰ مهر؛

در خبری که امروز در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت سرپرست بنیاد آیت اله حاج شیخ حسن صانعی نوشت: من بعنوان مسئول بنیاد ۱۵ خرداد ۳۰۰ هزار دلار دیگر به اصل این جایزه به منظور اجرای حکم، اضافه می کنم. آیت اله صانعی گفت: تعیین جایزه برای اعدام سلمان رشدی افتخار بزرگی است که نصیب بنیاد شده و باید این افتخار را نگه داشت.

بی بی سی ۲۰ مهر؛

حدود ۳ هفته پیش کمال خرازی وزیر خارجه ایران در مقر سازمان ملل متحد پس از گفتگو با وزیر خارجه بریتانیا رسماً اعلام کرد که دولت ایران از جایزه تعیین شده برای سلمان رشدی فاصله می گیرد و هرگز دست به اقدامی در جهت اجرای فتوا نخواهد زد.

رادیو اسرائیل ۸ آبان؛

روزنامه کیهان تهران در صفحه نخست امشب خود خبر داد: طلاب حوزه علمیه قم شهریه یکماه خود را به قاتل رشدی اختصاص داده اند و با امضای طوماری بر اجرای حکم تأکید کردند... امام جمعه روستایی در مازندران نیز در هفته پیش چند هزار هکتار زمین مزروعی، باغ میوه، منزل مسکونی، ۱۰ تخته فرش مازندرانی و اجازه اقامت در این ده را برای قاتل رشدی بعنوان جایزه تعیین کرد.

رادیو اسرائیل ۲۳ آبان؛

... روز پنجشنبه در ایران اعلام شد جوایز بیشتری برای کسی در نظر گرفته شده که سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را به قتل برساند. جایزه جدید یک باغ انگور است که توسط آقای مصطفی قاسمی (ساکن شهر بهار)

رادیو اسرائیل ۴ آبان؛

در حالیکه مقامات حکومت ادعا میکنند که ۴۶ درصد از دارندگان حق رأی در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند خبرنگاران خارجی که جریان رأی گیری روز جمعه را از نزدیک تعقیب میکردند عقیده دارند که بیش از ۵ میلیون نفر در این رأی گیری حضور نداشتند.

رادیو رژیم ۸ آبان؛

... بیش از ۴۶ درصد از واجدین شرایط در انتخابات روز جمعه اول آبانماه شرکت کرده اند (رژیم در دوم آبان شرکت کنندگان را ۵۲ درصد اعلام کرد)... در انتخابات اخیر خبرنگاران رهبری تعداد شرکت کنندگان ۵۴ درصد بیشتر از دوره پیشین بود... .

رفسنجانی نماز جمعه تهران، ۱۵ آبان؛

شرکت وسیع مردم در این انتخابات (خبرگان) سند محکمی است که نشان میدهد مردم با نظام، ولایت، قانون اساسی و شیوه زندگی که اسلام برای ما آورده است همراه هستند.

سلمان رشدی

خاتمی، ۱۶ اسفند ۱۳۷۶؛ (یاد آوری)

« سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی، باید براساس حکم شرعی حضرت امام خمینی اعدام شود و هیچ راهی برای گریز وی از اجرای آن حکم نیست»

رادیو فرانسه ۱۹ مهر؛

با اوج گیری دوباره بحثهای بین المللی در مورد (ابطال) و یا عدم اجرای فتوای آیت اله خمینی در مورد نویسنده کتاب آیه های شیطانی، بنیاد ۱۵ خرداد که ۲۵۰۰ هزار دلار برای قتل سلمان رشدی جایزه تعیین کرده است امروز با انتشار اطلاعیه ای در مطبوعات ایران، تأکید کرد که اعتبار حکم آیت اله خمینی و جایزه تعیین شده از سوی این بنیاد به قدرت خود باقیست... از سوی دیگر سازمان

غیرمذهبی رد شده اند... با این حال حزب! کارگزاران به رهبری غلامحسین کرباسچی ضمن ابراز انتقاداتی به شرایط برگزاری انتخابات خبرگان آمادگی خود را به شرکت در آن و اعلام نامزد در برخی حوزه ها اعلام کرده است. این حزب! از جمله در تهران ۱۶ نامزد را معرفی کرده است که ۶ نفر آنها توسط جناح محافظه کار حمایت میشوند. با همه این احوال ناظران معتقدند که استقبال مردم از این انتخابات ضعیف خواهد بود و تبلیغات شدید رادیو-تلویزیون و شخصیتهای مذهبی احتمالاً تأثیر معکوس خواهد گذاشت.

رادیو بی بی سی اول آبان؛

گزارشهای رسیده از تهران حاکی از آن است که تعداد کسانی که برای رأی دادن در انتخابات مجلس خبرگان به پای صندوقهای رأی رفتند علیرغم تشویقهای محمد خاتمی رئیس جمهور و آیت الله خامنه ای رهبر کشور به شرکت بیشتر، (مشارکت) مردم در این انتخابات پایین بوده است... .

رادیو رژیم دوم آبان؛

حدود ۵۳ درصد از واجدین شرایط در انتخابات دیروز شرکت کردند که میزان قابل توجهی به شمار می رود. به عبارت دیگر از مجموع رأی گیریهایی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون برگزار شده میزان شرکت مردم در انتخابات روز گذشته خبرگان از میزان شرکت مردم در ۹ انتخابات گوناگون کشور بیشتر بود... .

رادیو رژیم سوم آبان؛

... براساس اعلام ستاد انتخابات کشور در روز جمعه ۱۷۸۴۷۵۰۵ رأی به صندوقهای اخذ رأی ریخته شده است که این میزان در مقایسه مطلق بیش از ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار از انتخابات قبلی خبرگان بیشتر است ضمن آنکه در مقایسه مطلق این آمار نیز حاکی از تفاوت حدود ۵۵ درصد است... .

ضروری مردم را حفظ کند خود باعث نگرانی بیشتر مردم شده است.

رادیو فرانسه ۲۶ و ۲۷ آبان؛

درآمد ارزی ایران بشدت کاهش یافته ولی این کشور باید اصل و فرع بدهیهای خود را پردازد... جمهوری اسلامی طی ۲ سال گذشته در انجام بواقع تعهدات خارجی توفیق یافته ولی اخیراً در پرداختیهای بویژه به طرفیهای آلمانی وقفه هایی مشاهده شده... ایران که با مشکلات سنگین مالی روبروست در پایان ماه سپتامبر نتوانسته است دیون خارجی خود را پرداخت کند.

رادیو آلمان ۱۲ آذر؛

... از موضوعات مهم مورد بحث میان وزیر خارجه حکومت اسلامی با مقامات ایتالیای دریافت وامهای دراز مدت از این کشور است. چند ماه قبل بانکهای ایتالیا قبول کردند مبلغی حدود ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در اختیار ایران قرار دهند و این در حالیست که دولت ایران شدیداً به این پول نیازمند است. همچنین گفته میشود که دولت ایتالیا در حال بررسی واگذاری یک وام ۳ میلیارد دلاری با مشارکت آلمان و ژاپن به ایران می باشد... ایتالیا هم اکنون اولین شریک تجاری ایران در اروپا محسوب می شود و در سطح جهانی بعد از ژاپن قرار دارد...

اعتراضات - سرکوب - ترور

رادیو اسرائیل ۱۳ مهر؛

آقایان هوشنگ گلشیری، کاظم کردوانی، محمد جعفر پوینده، منصور کوشان، محمد مختاری و درویشیان سپیده دم روز جمعه بازداشت گردیدند و پس از چندین ساعت بازجویی به خانه های خود بازگشتند ولی ظهر روز شنبه دوباره دستگیر گردیدند و به زندان انتقال یافتند.

رسانه ها ۲۸ و ۲۹ مهر؛

صدها تن از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران، در اعتراض به حضور فائزه دختر رفسنجانی در هلند دست

احتمالاً ترتیبات مشابهی هم، اکنون با بانکهای فرانسوی داده شده است.

رادیو اسرائیل ۱۱ آبان؛

... آقای ترقی (مقام اقتصادی رژیم) گفت؛ بدلیل مشکلات مالی، کارخانه ها با تأخیر چند ماه، حقوقها را می پردازند... روزنامه کاروکارگر چاپ تهران امروز در مقاله اساسی خود نوشت؛ دبیرکل خانه کارگر نیز تحلیل کرده که ۴۰۰ کارخانه در آستانه تعطیلی کامل قرار دارند که این امر بیانگر رکودی عمیق در اقتصاد کشور است...

رادیو اسرائیل ۱۸ آبان؛

روزنامه کاروکارگر... از جمله نوشت؛ رشد اقتصادی ایران در سال جاری به شدت کاهش یافته، ۳۰۰ کارخانه تولیدی بیشتر فعالیت خود را تعطیل کرده و صدها کارخانه و کارگاه دیگر در آستانه تعطیلی قرار دارند و رکود اقتصادی در حدی است که اکثر کارخانه ها با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت خود کار میکنند و شمار بیکاران در سال از چند میلیون نفر بیشتر است... این خیرها کوچک و بی اهمیت نیست بویژه آنکه رکود اقتصادی ایران روز بروز عمیق تر میشود...

رادیو اسرائیل ۲۰ آبان؛

آگاهان امروز گفتند حکومت اسلامی در ماههای اخیر یک میلیارد و پانصد میلیون دلار اعتبار مال (برای پرداخت حقوق ماهانه کارمندان) از فرانسه دریافت کرده و اکنون می گویند از هر یک از ۳ کشور آلمان، ژاپن و ایتالیا یک میلیارد دلار دیگر وام بگیرد که جمعاً بر چهارونیم میلیارد دلار بالغ می شود...

بی بی سی ۲۳ آبان؛

(نشریه اقتصادی مید چاپ لندن نوشت؛) کسری بودجه ۶ میلیارد دلاری دولت در سال جاری و اینکه دولت نتواند سوسید مایحتاج

شهروند ایرانی اهدا شده که فرزندش در راه هدفهای رژیم کشته شده است... روز چهارشنبه گذشته نیز در تهران یکی از مسئولان روزنامه انگلیسی زبان «ایران دیلی» بدلیل انتشار مطلبی علیه فتوای آیت اله خمینی در قبال رشدی اخراج شد.

بحران اقتصادی

رادیو اسرائیل ۳۰ مهر؛

معانر بهداشتی وزارت درمان پزشکی، دکتر علی اکبر سیاری فاش ساخت که در حال حاضر ۱۶ درصد از کودکان ایرانی که زیر ۵ سال سن دارند دچار سوء تغذیه شدید هستند که از فقر مالی و نداشتن درآمد ناشی میشود.

رادیو اسرائیل اول آبان؛

(لاریجانی در مشهد گفت)؛ از یمن ماه گذشته در جریان بحث مجلس مسلم شد که کشور ۲۰۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه دارد ولی دولت تنها در هفته های اخیر این مطلب را کشف کرده است. آقای لاریجانی فاش ساخت که اقتصاد ایران در حال رکود است.

رادیو اسرائیل ۴ آبان؛

آقای محمد جواد لاریجانی نماینده مجلس، چند روز پیش در مشهد از وضع اقتصادی ایران ابراز نگرانی عمیق کرد و گفت؛ در جایی که دولت برای پرداخت حقوق مهر ماه کارمندان از خارج قرض گرفته و نماینده مجلس نیز به عواقب زیانبار این قرض گرفتاریا توجهی ندارد و نمی فهمد باید گفت؛ خاک بر سر این دولت و کارشناسانش، خاک بر سر وکیل مجلس بی عرضه که همه فکرش اسفالت کردن چند متر از دو جلقوز آباد است.

مجله اقتصادی "مید" ۹ آبان (نقل

از بی بی سی)؛

ایران در نظر دارد با پیش فروش کردن نفتی به ارزش ۳ تا ۴ میلیارد دلار از سنگینی بار بازپرداخت بدهیهای خود که به سال ۱۹۹۴ باز می گردد بکاهد. بانک مرکزی ایران از هر یک از کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا درخواست پیش پرداخت معادل ۱ میلیارد دلار کرده است و

تلاش برای ایجاد پگ جامعه آزاد و برابر

﴿ هَيْمًا ﴾

در یک جامعه آزاد البته در حال پیشرفت، استعدادهای جوانان زمانی شکوفا می شود که امکان رشد فکری خود را در تمام ابعاد باشند در چنین جامعه ای یک نوجوان یاد می گیرد گرایشات جنسی خود را ست و سوی متعادل دهد. البته یک سیستم آزاد و رو به رشد با آموزشهای اصولی و آگاه کردن افراد به گرایشاتشان برخورد با آن و چگونگی پاسخ صحیح به آن را می دهد. در چنین جامعه ای افرادی که در کوچه و خیابان از راه غیر متعادل بدنبال ارضای گرایشات جنسی خود هستند، جایگاهشان را در آموزشگاههای تربیتی است و یا بدست قانون سپرده می شوند.

در چنین جامعه ای جنسیت دیگر بوی غذای لذیذ نمی دهد، بلکه جهت و سمت و سوی انسانیت پیدای می کند. با تکیه به این تفکر و تشکیل چنین جامعه ای من به همکار مرد خود به عنوان یک انسان نگاه می کنم و جنسیت مرد بودن او در این سطوح برایم طرح نخواهد شد و اجازه نمی دهم که مانع و سدی برای همکاریمان شود.

رسیدن به چنین حلی برای انسان امکان پذیر است، اگر تاکنون کمتر تحقق یافته بدلیل روانی بوده که بنظر من عموماً آگاهانه و بدلیل منافع شخصی بر سر آن ایجاد شده است.

با ایجاد یک جامعه آزاد و مترقی در صورتی که تک تک افراد جامعه نقش تعیین کننده در تشکیل حکومت آزاد داشته باشند، گرایشات غربی و لیبرالیسم بی قید و شرط جای عقب تری بین افراد جامعه خواهد گرفت و تنوع خواهی انسان را در باز نمودن راه رشد و نوآوری او که گرایشی آلترناتویر نسبت به این تمایلات رو به عقب است، می توان بدستی پاسخ داد.

همانطور که در بالا ذکر کردم: راه حل برخورد با تضادهای جنسی، گذاشتن روسری به سر خانم ها نیست بلکه تلاش برای ایجاد یک جامعه آزاد و برابر است تا با هدف از بین بردن نا برابری ها تبادل نظرهای سالم و منطقی را محور کار خود قرار دهیم. در این جامعه زن و مرد به عنوان انسان وارد عمل خواهند شد و همکاری بین زن و مرد، همکاری دو انسان خواهد بود.

دارند قابل پذیرش نیست و مشکلی را حل نخواهد کرد.

از نظر من طرح مسئله و ضرورت پاسخ به آن از بعد دیگر باید قابل بررسی قرار بگیرد.

ما یک جامعه نابرابر که تحت حاکمیت دیکتاتوری مطلق است در مقابل خود داریم و تبعیض در تمام اقسام جامعه و در همه ابعاد دیده می شود وظیفه یک انسان متعهد در چنین شرایط این است که بطور همه جانبه در از بین بردن این تبعیض ها و نا برابری ها تلاش لازم را بنماید. تا با سرنگونی دیکتاتوری مطلق و ایجاد یک جامعه آزاد و برابر امکان رشد و ترقی تمام اقسام جامعه را بوجود بیاورد.

بنظر من برای تحقق چنین مسیری ما به یک سلاح قویتر نیازمند هستیم: آزادی، که در سایه آن مردم و قانونگذاران برگزیده آن بتوانند منافع همه اقسام جامعه را در نظر بگیرند.

در مقابله با این دیکتاتوری باید یک سیستم منسجم تشکیل شود با شرکت تمام گروهها و دسته ها و افرادی که برای مبارزه با این دیکتاتوری، بنور از هرگونه سازش برای سرنگونی رژیم تلاش میکنند. با تشکیل چنین سیستمی، سازمانها، گروهها و افراد با ایدئولوژیها و تفکرهای متفاوت با پرداختن به موضوعات مشترک در جهت مبارزه با نابرابری ها و از بین بردن دیکتاتوری و برنامه ریزی جهت عدالت و توسعه در جامعه، اختلاف نظر های خود را بمنظور پیشبرد این هدف مزبور نمی کنند.

از نظر من جامعه ای سالم و متعادل است که تمام اقسام جامعه بطور مساوی از امکانات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یکسان برخوردار باشند. در محیط کار در خیابانها و کوچه و بازار امکان تبادل نظر فکری برایشان وجود داشته باشد.

بعد از خواندن مقاله پوشش و جامعه (در شماره ۱۳ بهار ایران) برایم این سوال طرح شد که آیا نظر خود را در مورد این موضوع بنویسم یا پرداختن به این بحث را موکول به بعد کنم؟ ولی از آنجا که این بحث در میان ما ایرانیها بطور اخص مطرح است بدلیل حکومت دیکتاتوری مذهبی اسلامی پرداختن به آن را در این نقطه بی جا نمی دانم.

علاوه بر این از طرح این مباحث و تبادل نظر در یک فضای سالم و دموکراتیک در بین ایرانیان، زمینه ای سازنده برای ایران فردا ایجاد خواهید نماید.

در پاراگراف اول نویسنده مزبور سعی دارد تفکر خود را از ایدئولوژی دگم مذهبی آخوندی حاکم بر ایران جدا کند که این نکته بسیار ارزشمند است و من همین نقطه مشترک را بین خودم و نویسنده مثبت می گیرم، و سعی می کنم نظر خود را در ارتباط با پوشش و شکل برخورد با آن طرح کنم.

با این بحث که مردان و زنان بدلیل گرایشات جنسی و یا تفاوت بیولوژیک باید پوشش داشته باشند، موافق نیستم چرا که با پافشاری به آن تنها یک فضای نابرابر بین زن و مرد ایجاد خواهد شد و عملاً سدی فرا راه رشد زنان خواهد بود و امکان درگیری زنان را در خلیسی از مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، از بین خواهد برد و یا اینکه زنان را در سطوح پایین تر در گیر آن خواهد کرد. البته اگر فردی و یا گروهی در چهار چوب دستگاه ایدئولوژی خود و آگاهانه نوع مشخص و تعریفی را پذیرفته باشد، قابل احترام است و طبیعتاً در همان دستگاه امکان رشد زنان و برابری زن و مرد را توضیح داد ولی در آنصورت هم القای آن به دیگر اقسام جامعه که عقاید و دیدگاههای دیگری

«از تاریخ بیاموزیم»

جوامع انسانی طی روند تکاملی خود، فراز و نشیبهای مختلفی را از سر گذرانده اند. در این رهگذر، جریانهای شکل گرفته و رخدادهایی به وقوع پیوسته که دقت روی آنها می تواند تجارب گرانبهایی به ارمغان آورد. بدون شک اشتراک عمل و ائتلاف نیروها، آزادی و توسعه اجتماعی، بنیادی ترین نیازهای مقطع کنونی حیات اجتماعی ما را تشکیل می دهند. در راستای پاسخگویی به این نیازها می کوشیم در هر شماره با گزینش فرازی از تاریخ ایران یا جهان، مشعلی فرا راه تلاشی عمومی و مشترکمان برافروزیم.

گزینش مطالب از کتابهای مختلف در اینجا، نقطه از جنبه آموزش تاریخی آن مورد نظر بوده و به معنی تأیید همه آنها نیست.

اشاره:

در ادامه موضوع «از تاریخ بیاموزیم» به سراغ سایر کشورها رفته طی چند شماره تحولات برخی کشورها را از چاپ پنجم کتاب «تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون» پی می گیریم. این کتاب تالیف آلبرماله - ژول ایزاک و ترجمه رشید قاسمی است.

پادشاهی لوئی پانزدهم در فرانسه

پارلمان می گفت: «این تاج را خداوند بما عطا فرموده حق قانونگذاری منحصر بمانست و در این حق تسایع و ششریک هیچکس نیستیم» (۱۷۷۱) میخواست این قدرت مطلقه را ببیل خود و محض اقتناع هوسهای خویش بکار ببرد و تا امکان داشت همین قسم رفتار می کرد.

مخالفت پارلمانها

سلطنت زشت لوئی پانزدهم موجب و باعث حوائی شد که در عهد لوئی چهاردهم هرگز کسی ب فکر آن نیافتاد افراد ملت بسختی با شاه مخالف شدند و حتی بعد از سنه ۱۷۵۰ سعی بلیغ کردند که در مقابل اراده شاهی مقاومت کامل بخرج بدهند. مثل یکقرن پیش در عهد مازارن وزیر مرکز مخالفت در پارلمان بود لکن در این وقت دوازده پارلمان ایالات فرانسه هم با پارلمان مرکز متحد شدند و گفتند پارلمانها ولایات شعب مختلفه پارلمان پاریس

اعتراض پارلمان گردید و مفسد سلطنت مطلقه بر عموم مردم ظاهر و ثابت شد، در روابط خارجی هیچ زمانی به این درجه برای مملکت فرانسه مششوم و بد عاقبت نبود. در این زمان بزرگترین و عالی ترین اراضی مستعمره مثل مملکت کانادا در امریکا و هندوستان در آسیا از دست فرانسه خارج شد و نسبت به مقام سلطنت هم این دوره بسیار بد نتیجه و شوم بود زیرا که مقدمات انقلاب کبیر و بر باد رفتن دستگاه سلطنت را فراهم آورد.

طرز حکومت

اسباب حکمرانی در عهد لوئی پانزدهم بعینه مثل زمان لوئی چهاردهم عبارت بود از وزراء و مجلس و حکام و نظار، همچنسن تصورات لوئی پانزدهم نسبت بمنشا قدرت و مبنای سلطنت با تصورات لوئی چهاردهم تفاوتی نداشت یعنی او هم خود را آمر مطلق و فرمانروای یگانه در مملکت میدانست و در

سلطنت لوئی پانزدهم پس از عهد پادشاهی لوئی چهاردهم طولانی ترین ادوار سلطنتی تاریخ فرانسه است. مدت آن ۵۹ سال بود (از اول سپتامبر ۱۷۱۵ تا ۱۰ مه ۱۷۷۴) و به دو دوره تقسیم می گردد: اول از ۱۷۱۵ تا ۱۷۲۳ که زمان صغر لوئی پانزدهم و نیابت سلطنت دوک دورلان است، دوم از ۱۷۲۳ الی آخر که عهد سلطنت شخصی لوئی پانزدهم است.

این پادشاه در دوره سلطنت شخصی خود زمام امور را ابتدا در کف کاردینال دوفلوری، سپس در دست محبوبه های خود از قبیل مسادام دوشپادور نهاد بقسمی که وزرا بفرمان آنها معزول و منصوب میگرددیدند. در داخله مملکت این پادشاه از قدرت مطلقه که میراث لوئی چهاردهم بود سوء استفاده کرد و بسبب اسراف و تبذیر در اموال دولتی مشکلات عظیمه در امور مالیه تولید نمود و به اینجهت کرارا مورد

مبادی حکومت پارلمانی

انقلاب ۱۶۸۸ عملاً ثابت کرد که ملت انگلیس حکمران حقیقی است. ملت خاندان سلطنتی را تغییر داد، ماری و گیوم دورانژ را ملکه و پادشاه ساخت. قبل از انتخاب، ملکه و شاه را مجبور نمود که سوگند یاد نمایند همواره حافظ حقوق ملت باشند و شرایط و مقدمات این قسم را در اعلامیه رسمی ثبت نمود. بنابراین این سوگند پادشاه نمی توانست بدون تصویب پارلمان مانع اجرای قانونی بشود یا در موقع صلح به تجهیز و ترتیب تشون دایمی بپردازد یا مالیاتی جدید وضع نماید. انتخابات و مذاکرات پارلمانی بایستی بکلی آزاد باشد و محض رفع مناقشات و اصلاح و تقویت قوانین موضوعه بایستی پارلمان اغلب اوقات انتخاب و تشکیل گردد.

کلید اصول پارلمانی در همین اعلامیه منطقی بود و پادشاهان انگلیس نیابت احترام را نسبت به آن مرعی می داشتند. در ابتدای قرن هیجدهم سلاطین مزبور ناچار بودند این احترام را بجا بیاورند زیرا که خاندان جدید هانور ریشه ای در مملکت انگلیس نداشت و دودمان پادشاهان سابق موسوم به استوارتها هنوز دارای هواخواهان بسیار بود.

جلوس سلاطین خاندان هانور

چون ملکه انگلیس که آن (Anne) نام داشت ناگهان وفات یافت و نتوانست جاک سوم برادر خود را که مدعی سلطنت بود بجانشینی اعلام نماید انتخاب کننده ایالت هانور که از طرف مادر نواده جاک اول بود مطابق فرمان استقرار به پادشاهی انگلستان دعوت شد و ژرژ اول نام یافت (ماه اوت ۱۷۱۴).

ژرژهای نخستین

پادشاهان خاندان هانور همه ژرژ نام داشتند. سه تن از آنها در قرن هیجدهم سلطنت کردند. پادشاهی ژرژ اول (۱۷۱۴ الی ۱۷۲۷) و

دفتر پارلمانی به ثبت برسانند. این سریر را کرسی عدالت می گفتند. چون پارلمان از اینکار هم حاصلی نبرد محض اعتراض بحضور پادشاه و ترتیب «کرسی عدالت» متمسک به اعتصاب گردید. اعضاء پارلمان متفق الکلمه از قضاوت در امور خودداری کرده و با هم استعفا دادند. این نوع اعتصاب از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۰ پنج مرتبه در پاریس و روان و رن اتفاق افتاد. ابتدا شاه بخشم آمده مستعفیان را نفی بلد کرد لکن هر دفعه از ترس ناخشنودی ملت مجبور می شد تبعید شدگان را به وطن مراجعت بدهد.

انگلستان در قرن هیجدهم

قرن هیجدهم قرن بزرگ تاریخ انگلستان است. وقوع سه واقعه اساسی موجب امتیاز آن از سایر قرون گردیده است.

در خارج انگلیسیان به فتح مسالک هندوستان و کانادا که بنیان مستعمرات وسیعه انگلستان محسوب می گردد موفق شدند.

در داخل حکومت پارلمانی (یعنی فرمانروایی ملت بوسیله نمایندگان) تشکیل شد. این تاسیس حکومت پارلمانی نتیجه صحیحه انقلاب ۱۶۸۸ بود که بموجب تشدید مبانی حکومت ملی و به تخت نشستن خانواده جدید سلاطین انگلیس موسوم به خاندان هانور (Hanovre) گردید. دو پادشاه اول این خاندان تقریباً در انگلستان بیگانه بودند. سومین موسوم به ژرژ سوم بر آن شد که قدرت پادشاهی را در مملکت بیفزاید و همین اقدام باعث بحرانی در حکومت مشروطه شد که متجاوز از بیست سال طول کشید (۱۷۶۰ - ۱۷۸۳) ولی بالاخره نتیجه آن استحکام طرز حکومت پارلمانی شد.

در قرن هیجدهم ترقی صنعتی انگلستان آغاز گشت بطوریکه در قرن بعد نخستین دولت اقتصادی عالم گردید.

هستند و جدایی ندارند و در اعتراضات ماه آوریل ۱۷۵۶ اظهار داشتند که تمام پارلمانیهای خاک فرانسه «بمنزله یک پیکر متحد و متفقند دارای روح واحد و پیرو اصل واحد و جویای مقصد واحد.» این مقصد بنا بر اظهارات پارلمان پاریس عبارت بود از «اجرای کلیه قوانین و نظامات ملکی و تطبیق سیاست و روش دولت با قوانین موضوعه.» و بنا بر این اظهارات، قدرت شخص پادشاه هم مشمول نظارت پارلمان واقع می شد. در یکی از اعتراضنامه های پارلمان بشاه چنین خطاب شده بود: «اعلیحضرتا شما از جانب قانون پادشاه هستید و جز مطابق قانون نمیتوانید حکمرانی کنید.» پارلمان که ایجادش برای رسیدگی به امور قضایی بود کم کم مدعی حق دخالت در سیاسیات شد و «علاوه بر حق اساسی او که عبارت باشد از رسیدگی و تفتیش قوانین موضوعه قبل از اجرا» حق تفتیش و تحقیق اعمال دولت را نیز ادعا می کرد. بنابراین اصل نظری پارلمان پاریس و پارلمان روان در سال ۱۷۶۳ با کمال جسارت از شاه تقاضا کردند که «صورت مقایسه عایدات و قروض مملکت را به پارلمان بفرستند تا علاج و چاره ای بیندیشند.» پارلمانها ابتدا متمسک بوسایل مخالفتی شدند که از قدیم الایام مرسوم بود یعنی از ثبت فرمانهای مالی و احکام مربوط به امور مذهبی در دفتر قوانین خودداری کردند و در موارد بسیار با شجاعتی روزافزون تا سه دفعه اعتراض خود را تکرار نمودند و در اعتراضاتی که در سال ۱۷۶۳ کردند نیابت دلسوزی را نسبت بحفظ اموال عمومی و صیانت حدود منافع شاه و مملکت اظهار دلسوزی را نسبت بحفظ اموال عمومی و صیانت حدود منافع شاه و مملکت اظهار داشتند. شاه از ترتیب معموله تجاوز کرد و بنا بر مرسوم خود در پارلمان حضور یافته بر سریری که در مواقع رسمی مخصوص به سلطان است جلوس می نمود و امر می داد در حضور خودش احکام صادره را در

اشراف ۲۰۸ نفر بسود و ژرژ اول و دوم نیز صلوبنجاه لرد جدید ایجاد کردند. منصب و لقب لردی موروثا انتقال می یافت.

مجلس عوام تشکیل می شد از دو صنف وکیل وکلای ایالات و نمایندگان بلاد و قصبات. جمعا عده آنها به ۵۵۸ نفر می رسید. بعد از قانونی که استان هوب و وزیر وضع کرد مدت وکالت آنها هفت سال شد. هر ایالت یا شهر یا قصبه ای دو نفر وکیل انتخاب می نمود.

طرز انتخابات

مجلس عوام با این طرز انتخاب کاملا نماینده ملت انگلیس محسوب نمی شد. اولاد در خارج شهر تنها ملاک و متصرفان خالصه انتقالی و در شهر و قصبات فقط اعضاء اتحادیه ها و شهر نشینان معاف از مالیات حق انتخاب وکیل داشتند. [...]

نقص دیگر این بود که صورت قصبات و حوزه های انتخابیه در قرون وسطی مرتب شده و یادگار زمان شارتر بزرگ محسوب می گردید و آخرین اصلاحی که در آن کرده بودند در ۱۶۷۳ بود. بنسایر این بلاد عظیمه مانند لیورپول و منچستر و غیره که در قرن هیجدهم به عمران و آبادی نایل گشتند در آن صورت منظور نبودند و نماینده نمی دادند. بالعکس بعضی از قصبات معموره و پر جمعیت قرون وسطی در قرن هیجدهم رو بخرابی نهاده و سکنه آن به پنج خانوار رسیده بود. بقسمیکه در تمام ده جز یکنفر که حایز شرایط انتخاب کنندگی باشد وجود نداشت و همان یکنفر هم بحکم قانون دو وکیل انتخاب می نمود.

این قصبات خالی السکنه را قصبات فاسده می گفتند و غالبا ملک اشراف درجه اول بودند. یکی از اشراف موسوم به دوک دو نیوکاسل بقدری از این قصبات فاسده داشت که قلمت نمایندگان مخصوص قصبات را او انتخاب می کرد. طبعا کار بخريد و فروش می رسید. علنا بازار بیع و شری دایر می گردید و هر کس

مشاهده حریت و مساوات انگلستان موجب شد که فرانسویان حکومت استبدادی پادشاه خود را کمتر تحمل نمایند.

دارژانسون وزیر در سال ۱۷۵۱ مینویسد: «از کشور انگلستان نسیمی بجانب ما میوزد که آمیخته بحکمت و نوید حکومت آزاد و مبشر ختم دوره استبداد است.»

ملت و مصونیت از تعدیات مستبدانه سلاطین می شناختند. عبارت اخری حزب ویگ مدافع اقتدار ملت بود و بنام حفظ منافع و تشدید قدرت ملی میخواست اقتدار پادشاه را محدود سازد.

حزب توری مرکب بود از ملاکین، اشراف و عموم اشخاصیکه صاحب اراضی بودند همچنین نجبای ده نشین پیروان مذهب آنگلیکان. حزب توری مدافع و محافظ قدرت پادشاه و طالب تشکیل سلطنتی بود که با کمال قوت در سرتاسر مملکت فعال مایشاء باشد.

علی القاعده سلاطین انگلیس بایستی حزب توری را پیش کشیده و طرفدار خود می ساختند، اما افراد این حزب بعضی به هواداری سرب استوارت ها یعنی سلسله سلاطین مخلوع متهم بودند و استوارتیا را وارث تاج و تخت می دانستند، بشرط آنکه مذهب کاتولیکی را نقض و انکار نمایند. پس سلاطین جدید ناچار افراد حزب ویگ را بکسار گماشتند و به این ترتیب قدرت شخص سلطنت را فدای حفظ تاج و تخت خویش کردند. بعبارت اخری راضی شدند که سلطه پادشاه انگلستان از بین رفته قدرت بدست ملت بیفتد بشرط آنکه کسی مزاحم عنوان سلطنتی آنها نگردد.

پارلمان

پارلمان مرکب بود از مجلس اشراف (لردها) و مجلس عوام. انتخاب لردها با شاه بود و هر وقت اراده می کرد می توانست منصب لردی عطا نماید. در سال ۱۷۱۴ عده نمایندگان

سلطنت ژرژ دوم (۱۷۲۷ تا ۱۷۶۰) و ژرژ سوم (۱۷۶۰ تا ۱۸۲۰) بود. [...]

ژرژ اول آلمانی محض بود و یک کلمه انگلیسی نمیدانست و هر وقت بایستی با وزرا مذاکره کند به زبان لاتین متوسل می شد. پسرش ژرژ دوم انگلیسی می فهمید لکن نمی توانست حرف بزند. این پسر و پدر چون پس از عروج بر تخت سلطنت انگلستان هنوز سمت قدیم خود را که عبارت بود از انتخاب کنندگی هانور داشتند، به حوزه انتخابیه خود بیش از مملکت انگلیس توجه می کردند. [...]

احزاب

در زمان جاک دوم دو حزب معتبر تشکیل شد: حزب ویگ (Whig) و حزب توری (Tory). حزب ویگ به همراهی گیوم دورانژ موجب انقلاب سال ۱۶۸۸ شد. این حزب مرکب بود از خانواده اشراف و متمولین بلاد و سرمایه داران بنادر و تجار و صنعتگران. اما طبقه صنعتگر در اوایل قرن هیجدهم چندان وسیع نبود. در تمام مسالک متحده انگلستان فقط یک کارخانه پارچه بافی در شهر نورث ویج وجود داشت. دیگر از طرفداران حزب ویگ عبارت بودند از مخالفین مذهب رسمی از قبیل فرقه پوریتن و فرقه مستقله و پیروان کالون که از فرانسه بخاک انگلیس پناه آورده بودند و تمام این فرق در ضدیت با کاتولیکها و آنگلیکانها (Les anglicans) متفق الکلمه بودند. از آنجاییکه رواج صنعت و تجارت منوط بامنیت داخلی است طرفداران حزب ویگ نفع خود را در آزادی

بیشتر می داد نمایندگی مال او می شد. قیمت هر کرسی گاهی بچهار هزار لیره بالغ میگشت. رویهمرفته از هشت میلیون جمعیت فقط صد و شصت هزار نفر حق انتخاب کردن داشتند و باقی مردم محروم بودند.

ژرژ سوم و سیاست شخصی او

شرایط انتخاب و کلا بطوریکه ذکر شد کار ژرژ سوم را که از سال ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۳ در صدد تاسیس حکومت مطلقه شخصی و تغییر حکومت پارلمانی بود آسان می کرد. [...] ژرژ سوم از طرفی حزب توری را بحکم صرام خودشان بیاری خود آورد و از طرف دیگر چند نفر از حزب ویگ را نیز با خود مساعد گردانید به این طریق که طرز سیاست والپول را پیش کشید و دست بدامن ارتشا یا «خرید وجدان» زد. محض اینکه جیسع وکلا با او همداستان باشند شاه عموم منتخبین را ابتیاع کرد تا صمیمانه با او یار وفادار باشند و این را «حمایت مقام سلطنت» می نامند. شاه شخصا هر روز بنا بر رایایی که وکلا در مجلس می دادند صورت اسامی نمایندگانی که بایستی پاداش یا تنبیه نمود مرتب می کرد. مناصبی که مورد دخل بود بولکای موافق عطا می شد و دیگران از آن مقامات محروم بودند. کار وقاحت بجایی رسید که در روزهای مهم قبلا آراء را بوجه نقد می خریدند. بعضی جلسات مجلس به این ترتیب بیست و پنج هزار لیره استرلینگ برای شاه تمام می شد.

نتایج سیاست شخصی شاه

این طرز حکومت تقریبا از ابتدای سلطنت ژرژ سوم شروع شد و در این وقت پیت از وزارت افتاد و مقام او به لرد بیوت مری سابق پادشاه تفویض شد. معذالک نه سال طول کشید تا شاه هیئت وزرای کامل عیار و مطابق دلخواه و آلت دست و مطیع اراده خویش بدست آورد. این کابینه که ریاستش با لرد نورث بود ۱۲ سال دوام یافت (۱۷۷۰-۱۷۸۲).

در سیاست خارجی این حکومت شخصی نتایج وخیمه داد و موجب عدم رضایت و اعتراض امریکای شمالی که آنوقت مستعمره انگلستان بود گردید (۱۷۶۵-۱۷۷۴) و کار بجایی رسید که آن مستعمره دم از استقلال زد و بکمک فرانسه مستقل شده بممالک متحده امریکای شمالی موسوم گردید (۱۷۷۴-۱۷۸۳). در داخله هم این سیاست شاه باعث مناقشات ملت و سلطنت شد و یکی از مواردی که کاملا امیال ملت و مدعیان پادشاه با هم مقابله کردند قضیه ویلکس است که هفت سال تقریبا طول کشید (۱۷۶۳-۱۷۶۹) و دو نتیجه از آن بدست آمد: یکی توسعه مطبوعات، دیگر اثبات لزوم تغییر طرز انتخابات.

توسعه مطبوعات

هیجانی که از قضیه ویلکس انتقاد از نطق شاه و تعطیل نشریه و توقیف شخص او و اعتراض مردم] در انگلستان رخ داد موجب توسعه مطبوعات گردید. در حینی که آتش جسد از دو طرف مشتعل بود مطبوعات استفاده عظیمی کردند و آن حق درج مذاکرات پارلمانی بود که تا آن زمان حق انتشارش را نداشتند و فقط گاهی مختصرا نتیجه مذاکرات مجلس را درج مینمودند آنهم از بیم اعتراضات در هزار پرده و بعنوان اخبار واصله از پارلمان ممالک موهومه مثلا مذاکرات مجلس اشراف لی لی پوت.

حریت در انگلستان

باری بحران مشروطه انگلستان که از سال ۱۷۶۰ شروع شد و اقداماتی که ژرژ سوم برای تاسیس سلطنت شخصی کرد عاقبت پس از بیست و چهار سال کشمکش بقلبه حکومت پارلمانی خاتمه یافت. باید دانست که در سخت ترین وقت بحران که پارلمان در نسیابت ضعف و شاه در کمال قوت بود باز دولت انگلیس را اگر با سایر دول آتزمان مقایسه کنیم خواهیم دید که بیش از سایر ممالک حکم قانون نافذ و هوس

مستبدانه شاه بی تاثیر بوده است، بر خلاف دول دیگر در انگلستان صورت خرج سالیانه را نمایندگان تعیین و ترتیب میدادند. اهالی از نعمت نظامات مدنی برخوردار و در اداره امور مملکت سهیم و شریک و مال و عرض و حریت آنها در حمایت قانون از دست برد امنای دولت محفوظ بوده است. مثلا در قضیه ویلکس دیدیم که چون پارلمان او را بر خلاف قانون توقیف کرده بود بیدرنگ رهایی یافت و وزرای که بچنین توقیف قانونی حکم داده بودند از طرف قاضی بتادیه جریمه بسیار سنگینی محکوم گشتند در صورتیکه امروز هم حتی فرانسویان چنین مصونیت قانونی ندارند.

مقارن آن احوال در فرانسه یکی از نجبا ولتر را بچوب بست و چون او تقاضا نمود که از طریق عدالت با بقوه قهریه چوب زنده را مجازات کنند خودش را به زندان افکندند. [...] مشاهده حریت مساوات انگلستان موجب شد که فرانسویان حکومت استبدادی پادشاه خود را کمتر تحمل نمایند.

دارژانسون وزیر در سال ۱۷۵۱ مینویسد: «از کشور انگلستان نسیمی بجانپ ما میوزد که آمیخته بحکمت و نویسد حکومت آزاد و مبشر ختم دوره استبداد است.»

آزادی اسباب آبادی عمومی انگلستان شد. غنای اقتصادی فوق العاده این مملکت از قرن هیجدهم خاصه از سال ۱۷۶۰ شروع گردید. [...] وات نیز با تکمیل ماشین بخار وسیله تحریک آلات و اسباب سابق الذکر را فراهم آورد (۱۷۶۹-۱۷۷۹). بهمت این دانشمند ماشین بخار که تا آتزمان بازیچه ای بیش نبود و از اظاتیهای امتحان علما خارج نمیشد در دسترس عموم افتاد و سرچشمه جاویدان تولید قوی و تحریک آلات گردید. با این اختراع وات مثل این بود که چندین میلیون کارگر توانا تقدیم ملت انگلیس کرده است. ***

«ادامه دارد»

بقیه استبداد مبنای... از صفحه ۶

و اعمال زور را هم به خود نمی گیرد مهم این است که نهادهای کنترل کننده بر نحوه توزیع قدرت در جامعه حکمفرما باشد.

در جهان بی بی و ایدئولوژی ملایان حاکم که ولایت فقیه را ستون فقرات و عمود خیمه نظامشان می دانند منطقی قدرت رسیده نیل به ارزشهای ضد انسانی، تمامیت خواه و انحصارطلبانه راه می برد. علم انندی از مرجعین حوزه در دینار با آهن فروشان می گوید: «ولایت فقیه ستون خیمه قرآن است»^۱

الوین تافلر می گوید: «بهترین نوع قدرت، از کاربرد دانایی حاصل می شود»^۲. در دستگاه فکری ولایت فقیه به لحاظ ماهیت فکری گرایش به این مسئله هست که سازماندهی دانایی را نیز در جای خود منجمد سازد و سد راه مفهوم سازیهایی نوینی شود که به اکتشافات ریشه ای بینجامد. در سالیانی که پیش رو داریم به علت تغییرات بسیار سریع و پیشرفتهای اعجاب انگیز علم و تکنولوژی توسط انسان، شاهد کولاک عظیم بازسازی و بیسازاری اندیشه ها و افکار بشری خواهیم شد. که به هیچ وجه افکار راپسنگرای امثال اندیشه ولایت فقیه‌ی و سلطنتی در میان دریای آگاهی انسانها، تاب تنفس و ادامه حیات نخواهد داشت. برای اینکه بدانیم قدرت چگونه در هر سیستم حکومتی و برای ما در حکومت ملایان توزیع میشود لازم می آید که نگاهی همه جانبه به روابط و ساختارها و تناقضات عمیق آن داشته باشیم (توجه به مطلب تناقضات سرسام آور... در همین مقاله). متوجه خواهیم شد جهان کنونی پذیرای اندیشه کهنه و راپسنگرای تمامخواه و فردی و انحصارطلبانه نیست جهانی که ساختار نوین قدرت که از درون نقش بلامنازع دانایی و خردجمعی برمیخیزد در حال نوپیدایی است.

«برای معنی بخشیدن به تغییرات عظیم کنونی اگر بخواهیم به شیوه ای راهبردی درباره آنها بیندیشیم به چیزی بیش از تصویری فراگیر از

تمدن نوینی که هم اکنون در سراسر سیاره ما در حال گسترش است ارائه نماییم»^۲

توزیع قدرت در سیستم ولایت فقیه معنای واقعی ندارد. نگاه آنها، نگاه چوپان به گله است و در چنین نگاهی اساسا به جز فرمان و اطاعت

سازندگی» بسان مانعی خاردار در مسیر رشد و آگاهی توده ها کاشتند و وقتی بذر چنین تخمی قبل از سبز شدن گند زد و پوشید. اکنون همان تخمکاران فاسد در پوش

خاتمی در پیام بازهم توهم شکن خود در رادیو و تلویزیون رژیمش ۲۵ مهر، مردم را به حضور پرشور و اشتیاق در انتخابات مجلس خبرگان فرا خواند و در بخشی از پیامش گفت: «مصدق بارز اسلامیت نظام، رهبری است. بنابراین مجلس خبرگان یکی از نقاط بسیار مهم تجلی اسلامیت و جمهوریت نظام است»

حمایت از طیف جدید ولایت فقیه با شعار توسعه سیاسی و گفتگوی تمدنها، تخم حیات و وطن فروشی دیگری میکارند. نماینده ای از مجلس ملایان بنام عباسپور خطاب به خاتمی گفت: «گفتمان تمدنها اگر با پشتیبانی نظامی و اقتصادی همراه نباشد مثل حرفهای

هیپهای هایدپارک است»^۳. همین نمایندگان، مجلس خبرگان را حلقه واسطه میان جمهوریت و اسلامیت نظام می خوانند و ولایت فقیه را نقطه اتصال اسلامیت، جمهوریت و مشروعیت رژیم شان می دانند. بدین ترتیب مجلس خبرگان خاری در پیکر اجتماع و یکی از غدد سرطانی است که توزیع قدرت را در صلاحیت مردم ندانسته و آن را شایسته چوپان گله حامیشان می دانند. دور نیست مردم با اتکا بهممدیگر و با توسعه تصمیم گیریهای سیاسی- اجتماعی توسط نهادهای برگزیده شان همه غدد انگلی کل سیستم ولایت فقیه را با گلوله های سرب مذاب و توپهای دانایی منفجر نمایند.

پاورقی:

- ۱- روزنامه رسالت ۲۰ مهر
- ۲- الوین تافلر، جابجایی قدرت
- ۳- روزنامه همشهری، جریان بحث لایحه برودجه ۲۰ مهر

محض چیز دیگری وجود ندارد. بدلیل این نوع نگرش است که اکنون جامعه ما در یک هرج و مرج فکری از طرف رژیم حاکم به سر می برد و ارگانهای قدرت با شرایط و خواسته های متضاد، متضاد و ناهمگون حکمفرمایی می کنند. رژیم توده های مردم را اسیر آشفته گیاهی ساختمان قدرتی خود کرده اند.

در جامعه ای توزیع قدرت معنای اصلح پیدا می کند که در آن: ۱- دموکراسی و آزادی نهادینه شده و بصورت قانون درآید ۲- اتحادیه ها، سندیکاها، شوراها و صنوف گوناگون کاری و فکری شکل گرفته و هر کدام به مقتضای صلاحیت فردی و جمعی خود بخشی از قدرت حاکمیت را در کنترل داشته باشند.

قدرت طلبان شاهی- ملایبی بویژه در راستای سرکوب جنبشهای یکصد سال اخیر از مشروطه تا حال، مانع مفهوم اجتماعی توزیع قدرت شدند و آن را خلاصه در وجود شاه و حالا در موجودی بنام ولایت فقیه تبلیغ کرده و مردم را به اطاعت واداشتند. یکی از علل عقیم ماندن تلاشهای مبارزان فداکار جنبشهای اخیر عقب نگه داشتن ساختار سیاسی جامعه بوده است. عقب ماندگی اقتصادی هم علیرغم وجود منابع و ثروتهای کلان در سطح ملی، ریشه در تزویر و توزیع ناسالم قدرت سیاسی بوده و هست. پس از مرگ خمینی زمانی جبهه استعمار و استحاله، تخم توهم هاشمی را در سطح وسیع تبلیغ و با القاب «امیر کبیر و سردار

در جوهر و محتوا، انتخابات خبرگان هیچ فرقی کیفی با انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد و با دوره های قبل ندارد. همه چیز در چنین دستگامی انتصابی است

تناقضات سرسام آور قانون اساسی رژیم و تکلیف مردم؛

رژیم جمهوری اسلامی ایران، یک تن و یکسر بنام ولایت فقیه دارد. تناقضات درون این سیستم بسان غدد سرطانی بدخیمی هستند که با کلیه محاسبات سیاسی و اقتصادی به نظر می آید که این غده ها روند رشد و تکثیر نهایی را می گذرانند. گردش کار در چنین سیستم سرطانی فقط خنثی شدن برآیند کاری غدد خوش خیم و بدخیم و باندهای مختلف است ولی این غدد قادر است زمان و مهلتی معین در اختیار این سیستم با آن تن و سر سرطانی بگذرد. تمام پزشکان و داروهای جبهه استعمار هم قادر نبوده و نیستند چنین دستگاه مبتلا به سرطان پیشرفته را نجات دهند.

از میان ۱۲ نفر شورای نگهبان ۶ نفر از طرف ولی فقیه و ۶ نفر بقیه حقوقدانهایی هستند که رئیس قوه قضائیه آنها را منصوب می کند و او نیز خود باید منصوب رهبر باشد. کاندیدهای مجلس خبرگان را شورای نگهبان تعیین صلاحیت می کند. شورای نگهبان هم منصوب ولی فقیه هستند. مجلس خبرگان هم نهایتاً رهبر را تأیید می کند. طبق اصل ۱۲ قانون اساسی رژیم اگر بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف افتد مجمع تشخیص مصلحت مداخله می کند. آن مجمع هم خودش منصوب ولایت فقیه

است. اصل ۵ قانون اساسی، ولایت امر و امامت امت را بر عهده ولی فقیه عادل و شجاع می داند و بلافاصله در اصل ۶ می گوید؛ در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید بر اتکای آرای عمومی باشد. باز طبق اصل ۵ قانون اساسی قوای سه گانه مملکت زیر نظر ولایت فقیه است. مهمتر از همه، اصل ۱۱۰ قانون اساسی ملایان یازده مورد از اختیارات سلطان فقیه را بر می شمرد از جمله؛ سیاستهای کلی نظام، فرماندهی کل نیروهای مسلح، تعیین فقهای شورای نگهبان، ریاست صدا و سیما، اعلان جنگ، تعیین فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و ...

کریاسچی شهردار معلق تهران در ۲۸ مهر و در تشویق مردم برای رفتن به قلب دموکراسی ۱؛ برای عده ای گفت: ۸۰ درصد اختیارات کشور در اختیار ولی فقیه و مقام رهبری است و باید در انتخابات شرکت کرد و ...

انسان در نگاه به اینهمه تناقضات احساس تکلیفی به جز نفرت در مقابل اینهمه توهین و نفی همه جانبه رژیم و اتحاد برای سرنگونی نمی کند. اساس طرح مجلسی بنام خبرگان؛ و دیکتاتوری با اینهمه اختیارات مطلقه، خود نوعی اهانت بسی سابقه به مردم و خیانت بزرگ سیاسی-فکری نیست؟ حال چه فرق می کند که تمامی باندها و جناحهای این پیکر سرطانی جزو کاندیداها باشند یا نه. خواه ریاست جمهوری در چنین دستگامی از کره دیگر بیاید یا نه و خواه مثل رئیس جمهور منتصب «مقام معظم رهبری» بنام خاتمی با حرفهای بغایت ریاکارانه و نهایتاً ضد خلقی صحبت از جامعه مدنی و آزادی و مردم و زنان و جوانان بکند. این فرد خود یکی از همان غده های سرطانی است که صلاحیت بکار بردن

لفظ مردم و جوان هم برای او زیادی و نوعی اهانت آشکار به همین تشرهاست. گاهی خاتمی و طیف جدید ولایت فقیه چنان مردم، مردم و جوانان می کنند که گویی مردم در کرات دیگر هستند و آنها را با اینهمه بدبختی و سرگردانی نمی بینند و لمس نمیکنند. با اینهمه تناقض در قانون ساخت ملا مردم حق دارد پرسد که اصولاً انتخابات با هر نام و عنوانی در واقع تحقیر خودشان نیست؟. در دوره شاه که سلطنت مطلقه داشت انتخابات چه معنایی داشت که حالا در زمان سلطنت ولی فقیه داشته باشد؟. آزادی در قساموس چنین دستگامی در خوشبینانه ترین شق آن مساوی تهاجم فرهنگی قلمداد خواهد شد ولی همه میدانند که آزادی، آزادی است و دیگر پسوند و پیشوند نمی تواند داشته باشد.

جبهه استحاله با کمک تمام عیار رسانه ای جبهه استعمار، مردم را مشغول حذف و اضافه های فلان کاندید از مثلاً جناح چپ و یا راست رژیم کرده و آن را مساوی جامعه مدنی و توسعه سلسی روضه می خوانند. ولی تکلیف مردم در مقابل اینهمه تحقیر و توهین قانونی! با اینهمه تناقضات خفه کنند این است که با نفی همه جانبه تمامی باندها و غدد این جسم کثیف و متعفن بنام لاشه ولایت فقیه آن را با تهر مقدس خود به آتش بکشند.

پاورقی؛

۱- رادیو اسرائیل به نقل از کریاسچی ۲۷

مهر



مطلب زیر خلاصه ای است از مقاله ای به همین عنوان در روزنامه هلندی زبان "De Volkskrant" در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۹۸

کشورهای فقیر سالانه حدود ۲۵۰ میلیارد گیلدن به کشورهای ثروتمند بهره می پردازند.

ترجمه از: ر. ناهید

جابجا کرد درحالی که جهان دارای مرزها، ملیتها و مردم متعدد با سطوح مختلف فرهنگی می باشد.

"هارود" در رابطه با افزایش نارضایتی های اذهان عمومی در رابطه با پناهنجویان و اینکه آنان برای کشور ما خرج بر می دارند، هشدار می دهد. ما باید سود حاصله از وامهای داده شده به کشورهای جهان سوم را در نظر بگیریم. این آمار در حال حاضر منتشر شده اند و مقدار آن بسیار بیش از خرجی است که ما برای پناهنجویان می کنیم.

وی همچنین می افزاید، این مسله را قبول دارد که هلند پناهجو زیاد قبول می کند اما مثلا یک تجربیایی که بخاطر مسائل سیاسی کشورش را ترک می کند، حق دارد بگوید هلند از قبیل کشورش سود زیادی می برد و باید کمی هم از این سود را برای او اختصاص دهد.

در صورت لزوم هم باید مالیات اضافه از شرکتیایی که با کشورهای دیکتاتوری معامله می کنند، به منظور اختصاص دادن به پناهندگان گرفته شود. دولتهای غربی حتی باید یک حساب پس انداز بنظیر کمک به پناهنجویان باز کنند که در صورت لزوم از آن استفاده شود.

آقای "هارود" در خاتمه می گوید: "بنظر من مردم اروپا باید به دولتهایشان فشار وارد کنند، بانکها و شرکتهای چند ملیتی باید فکری برای بخشیدن سود وامهایی که به کشورهای جهان سوم داده اند بکنند. اینطور بنظر می رسد که در حال حاضر ریسح حاصله از وامهای داده شده، برای شرکتهای چندملیتی مهم تر از سود حاصله از فعالیتهای این شرکتها شده است. همچنین ملتها باید از دولتشان و بانکهایشان بپرسند که آیا دادن وام به کشورهایی که در آنها دیکتاتوری حاکم است، ادامه یابد.

بشوند، طوری که خودشان بتوانند تضوات کنند."

واقعیت این است که کشورهای ثروتمند در سال ۱۹۹۶ حدود ۴۴۰۰ میلیارد گیلدن به کشورهای جهان سوم وام داده اند، طوری که کشورهای جهان سوم ۲۵۰ میلیارد در سال ۱۹۹۷ به کشورهای ثروتمند بهره پرداخته اند که باعث مشکلات اقتصادی زیادی در این کشورها شده است.

در همان سال شرکتهای چند ملیتی ۴۷۰ میلیارد گیلدن در کشورهای جهان سوم سرمایه گذاری کرده اند. با یک حساب بسیار ناچیز مشاهده می کنیم که ۸۵ میلیارد گیلدن سود از سرمایه گذاریها بدست آمده است.

سود سرمایه گذاری و بهره وامهای داده شده، حدود ۴۰۰ گیلدن از درآمد سرانه کشورهای ثروتمند را تشکیل می دهد.

آقای "هارود" خود را یک واقع گرا می نامد و اعتقاد دارد که بعضی رسانه ها مردم را به غلط به این باور می رسانند که کشور پر شده و ورود مهاجران جدید برای آنان گران تمام می شود.

وی می افزاید: "این مشخص است که پناهجو و پناهنده خرج بر می دارد ولی فراموش نکنیم که مشخصا پناهندگان واقعی به هلند می آیند چون در کشورشان تهت تعقیب دولتی قرار دارند که هلند با آنان معامله اقتصادی دارد."

ار همچنین از نظر احساسی با کشیهای مسیحی که از گرفتن پناهجوی اقتصادی حمایت می کنند، موافق است. چون فکر می کند که فقر هم یک نوع جنایت به حساب می آید. فقر نیز مانند شکنجه و کشتار یک نوع نقض حقوق بشر است اما در عمل نمی توان ۱,۵ میلیارد فقیر را

پرفسور "J. Harrod" متخصص

در زمینه اقتصاد بین المللی می خواهد با ارقام نشان بدهد که کشورهای غربی بطور سرسام آوری از قرضهایی که به کشورهای جهان سوم داده اند سود می برند.

هلندیها ناعادلانه فکر می کنند که بخاطر پذیرایی از پناهندگان، زیر فشار اقتصادی قرار می گیرند. اما در سال ۱۹۹۷ هر هلندی بطور متوسط ۴۰۰ گیلدن* از قرضهای داده شده به کشورهایی که از آنها پناهجو پذیرفته می شوند سود برده اند.

پرفسور "J. Harrod"، ۶۳ ساله، متخصص اقتصاد بین المللی و استاد انستیتو تحقیقات اجتماعی (IIS)، می خواهد با ارقام نشان دهد که ادعای هزینه سنگین پناهندگان سیاسی هیچ پایه و اساسی ندارد.

امروز وی در یک کلیسایی در لاهه (Haagse Lucaskerk) سخنرانی ای بنسابت "حقوق بشر و روابط اقتصادی" داشت که با این سخنرانی، وی هفته موسوم به "کاروان پناهنجویان" را که از سراسر هلند برای حمایت از پناهنجویان به راه انداخته بودند را به اتمام رسانید.

آقای "هارود" چند کتاب در رابطه اقتصاد بین المللی، روابط کاری و جهان سوم نوشته است. وی در دانشگاههای "Jamica" و "Washington" تدریس کرده و سالها مشاور سازمان ملل بوده است.

وی می گوید: "من یک انسان رویایی نیستم. من فقط می خواهم که مردم واقعیت را

بقیه گزیده هایی از اخبار... از صفحه ۹

به تظاهرات زدند. نماینده مجلس رژیم برای شرکت در مراسم افتتاح یک انستیتوی اسلامی و نیز برای سخنرانی در مجلس هلند به دعوت حزب دست راستی این کشور وارد هلند شده بود. در اعتراض ایرانیان یک خانم سالخورده مادر ۳ شهید از سازمان مجاهدین خلق طی یک برنامه حساب شده و با فریادهای افشاگرانه سیلی محکمی به گوش و صورت دختر رفسنجانی خواباند و باعث شد که او نتواند برنامه ترتیب داده شده را ادامه دهد. روز ۲۹ مهر نسیم تظاهراتی جلو مجلس هلند در شهر لاهه برگزار گردید و با وجودی که نمایندگان تظاهرکنندگان خواستار ملاقات با مقامات مجلس هلند و ارائه بیانیه اعتراضی بودند ولی آنان اجازه ورود به پارلمان را نگرفتند. این در حالی بود که دختر رفسنجانی به مجلس برده شد که البته او هم نتوانست با خیال راحت به ملاقات با نمایندگان دست راستی هلند را ادامه دهد و زودتر از موعد، مجبور به ترک این کشور شد.

رادیو اسرائیل ۲۹ مهر؛

(پاسداران برای سرکوب شورشها وارد عمل شدند و به پرتاب گاز اشک آور و دستگیری شماری از مردم خشمگین پرداختند. بنابر این گزارشها خشم مردم هنگامی غلیبان کرد که کامیون حامل بلوک سیمانی که راننده آن به پلیس رشوه داده بود تا وارد خیابانی شود که ورود به آن از جستی که کامیون می خواست ممنوع بود بر اثر تصادف با چند اتومبیل موجب مرگ چند دختر بچه مدرسه ای شد و آنان در دم همه سوخته شدند و شمار دیگری نیز در این حادثه زخمی گردیدند... گزارشها حاکی است مردم خشمگین در منطقه تهرانپارس در شرق پایتخت خشم خود را با سر دادن شعار و سنگ پرانی ابراز کردند. شورای ملی مقاومت ایران در بیانیه ای شمار تظاهرکنندگان را ده هزار نفر دانست و نوشت؛ آنان شعارهای مرگ بر سران رژیم می دادند... خبرگزاریهای رویتر و فرانسه نیز به این حوادث در تهرانپارس اشاره کردند.

رادیو فرانسه ۷ آبان؛

(پاسداران) در اطراف پیرانشهر به سوی چند تن که کارتن های مراد غذایی برای خانواده خود حمل می کردند تیراندازی کردند. در این تیراندازی یک جوان اهل مهاباد به قتل رسید. بدنبال این واقعه اهالی پیرانشهر در برابر پاسگاه نیروی انتظامی دست به تظاهرات زدند حزب دموکرات کردستان ایران می افزاید؛ در نتیجه تیراندازی مأموران انتظامی ۱۰ نفر زخمی و عده ای دستگیر شدند. در این تظاهرات چند خودرو نیروی انتظامی به آتش کشیده شد و خساراتی به ساختمانهای دولتی وارد گردید. هیتی از استان آذربایجان غربی برای رسیدگی به این مسئله به منطقه اعزام شده است.

رادیو اسرائیل ۲۳ آبان؛

روزنامه کاروکارگر چاپ تهران، امروز خیر داد دانشجویان اعتصابی قم که خواهان جدا شدن دانشگاه خود از حوزه علمیه قم و استعفاي مسئولان دانشگاه هستند از چند هفته پیش، از تحسن و تظاهرات باز نایستاده اند.

بی بی سی ۲۶ آبان؛

...کارگران(پارچه بسافی قانمشهر) مدیرکل و چند تن از مدیران دیگر این کارخانه را از روز یکشنبه تاکنون حبس کرده اند و به آنها اجازه خروج از کارخانه را نمیدهند... بیش از ۲ هزار نفر از کارگران کارخانه پارچه بسافی قانمشهر از روز یکشنبه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان دست به اعتصاب زده اند... در ماههای اخیر اعتراضات کارگری در حال افزایش بوده و به سراسر کشور گسترش یافته است... هزاران نفر از کارگران در صنایع دیگر نیز همراه از کار برکنار شده و بسیاری از آنهايي که هنوز برسر کارند گاهی اوقات برای ماهها حقوق دریافت نمی کنند بیکاری شدیداً در حال افزایش است...
کارگران ایران در انقلاب بهمن ۵۷ نقش اساسی در سرنگونی رژیم شاه ایفا کردند و

میتوانند برای رژیم اسلامی نیز خطر جدی محسوب شوند.

رادیو آلمان دوم آذر؛

... در مورد جزئیات این جنایت هولناک(ترور فروهرها) از مسئول دفتر اروپایی حزب ملت ایران که در بلژیک فعالیت دارد سوالاتی به عمل آوردم. به گفته ایشان، در شامگاه روز شنبه ۲۱ نوامبر افرادی که از مدتها قبل با داریوش فروهر در تماس بودند برای شرکت در جلسه ای به منزل او می روند. احتمال بسیار قوی دلیل ملاقات این افراد، معرفی یکی از آنها به داریوش فروهر و پیشنهاد همکاری بیشتر با حزب ملت ایران بوده است. شادروان فروهر با لباس مرتب به استقبال میهمانان خود رفته است. و این طور به نظر می رسد همسر وی پروانه فروهر در جلسه شرکت نداشته و به همین دلیل به طبقه بالای ساختمان می رود. طبق اظهارات یکی از همسایه ها بنام آقای مفتی زاده این اولین بار نبوده که این افراد به منزل داریوش فروهر و همسرش وارد می شدند. به دلیل اینکه آنها توانسته بودند با سگ بزرگی که همیشه با آنها همراه بود آشنایی بوجود آورند. نتایج آخرین تحقیقات انجام شده بوسیله نزدیکان داریوش فروهر و همسرش دست کم حاکی از آن است که هر دوی آنها غافلگیر شده اند و از پشت مورد حمله قرار گرفته اند. ضاربین با زدن کارد به پشت و سر و سینه داریوش فروهر، یکی از ضربات درست در قلب وی جای گرفت و او را از پای در آورد. و بعد به طبقه بالای منزل(می روند) دفتر اروپایی حزب ملت ایران می گوید؛ جنازه شادروان فروهر غرق در خون در کنار میز کار وی روی میبل قرار گرفته بوده است. خانم اسکندری خواهر همسر وی گریه کنان در سخنان تلفنی می گوید؛ بعد از اینکه ساعتی سعی کردم با خواهر تماس برقرار نسایم موفق نشدم و تصمیم گرفتم به منزل آنها در خیابان هدایت بروم و در محل متوجه شدم که یک چنین(جنایت) وحشیانه ای صورت گرفته است. خانم اسکندری همچنین می گوید که به وی

اجازه مساندن در منزل خواهرش را ندادند و بسیاری از مدارک و اسناد موجود در منزل سر جای خودشان نبوده اند. در اطلاعیه حزب ملت ایران آمده است: مگر نه آنکه فرمانده سپاه پاسداران چندی قبل گفته بود: زیانها را می بریم و دستها را قطع می کنیم و چه مدرک جرمی گویاتر از این سخن.

اطلاعیه وکلای بدون مرز که مقر آن در بروکسل است امروز با انتشار بیانیه ای این واقعه دردناک را محکوم کرد و از اتحادیه اروپا خواست در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران تجدید نظر کند.

بی بی سی اول آذر؛

بازهم در ایران مردی که به سنگسار محکوم شده بود توانست در حسین اجرای حکم، زندگی خود را نجات دهد. خسرو ابراهیمی محکوم یادشده از اهالی لاهیجان و متهم به زنا بود... بر اساس قوانین اسلامی در صورتیکه محکوم بتواند خود را از چاله اجرای حکم نجات دهد تبرئه خواهد شد... طبق گزارش روزنامه های ایران طی یکسال گذشته، ۷ نفر به جرم رابطه جنسی نامشروع سنگسار شدند. ۶ نفر از آنان در یک روز در آبانماه سال گذشته در خوزشهر ساری کشته شدند و یک نفر دیگر چندی بعد در بوکان کردستان... گفته میشود که رقم واقعی سنگسار در ایران از این هم بیشتر است... عطا اله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سخنگوی دولت آقای خاتمی چندی پیش گفته بود که «مصلحت کشور در این است که اجرای احکام سنگسار در سلاطین انجام نگیرد تا جمهوری اسلامی از آسیبهای تبلیغاتی آن در امان بماند»...

رادیو اسرائیل ۹ آذر؛

(رسانه های حکومت) در گزارشهای اولیه خود این سریاز را یک سرور فراری لقب دادند اکنون معلوم شده تمامی کسانی که با رگبار گلوله او کشته یا زخمی شده اند افراد نظامی و افسران پاسدار بوده اند سریاز مزبور بنام سیاوش رحمانی اقدم که در پادگان نیروی هوایی تهران خدمت می کرد هفته گذشته عملیات خود را با ریودن سلاح و مقادیری

فشنگ آغاز کرد وی نخست روز پنجشنبه شماری از نیروهای نظامی و امنیتی را از پای درآورد و آنگاه

طی یک درگیری دیگر ۴ نفر از ماموران انتظامی را به قتل رساند... بسیاری از مطبوعات تهران دیروز و امروز نوشتند؛ رحمانی اقدم در آخرین زدوخورده مسلحانه کشته شد ولی روزنامه سلام امروز نوشت متهم دستگیر شده است. اسامی شماری از نیروهای نظامی و پاسدار که با رگبار شلیک شده از اسلحه ۳۵ سیاروش رحمانی کشته شده اند از این قرار اعلام شد؛ از نیروهای پاسدار سرهنگ پاسدار محسن عبدالهی، سرهنگ پاسدار احمد نصیرزاده، سرهنگ پاسدار سید داود حسینی، سرهنگ پاسدار عبداله چراغعلی و... روزنامه همشهری امروز نوشت برخی ها میگویند شمار کشته ها بیش از ۱۴ نفری است که اعلام شده و این عده می گویند شمار کشته ها ممکن است ۲۰ نفر باشد. در این میان فرمانده حفاظت اطلاعات و نیروهای انتظامی امروز در مراسم تشییع جنازه افسران سپاه پاسداران، سیاوش رحمانی را یک گرگ فاسد لقب داد و گفت؛ چنین گرگی را چه چیزی جز فیلمهای مبتذل ماهواره ای و نشریات آتجنسانی فاسد کرده است... سرتیپ نقلی این مقام بلند پایه اطلاعاتی در این مراسم امروز گفت؛ نیروهای حکومت انتقام خون این پاسدارها را از کسانی خواهند گرفت که با قلمهای خود، شعر و مقاله های فاسد می نویسند...

بی بی سی ۱۶ آذر؛

... آقای مختاری که یکی از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران است عصر روز پنجشنبه برای خرید از منزلش خارج شده ولی باز نگشت... به گزارش رسیده از ایران بعضی از نویسندگان از منازل خود خارج شده و پنهان شده اند. مرگ مشکوک مجید شریف در دهفته پیش و ناپدید شدن پیروز دانی در چند ماه پیش بر نگرانی اهل قلم افزوده است...

رادیو آمریکا ۱۹ آذر؛

دیوانعالی آلمان که بالاترین مرجع قضایی آن کشور است تقاضای فرجام ۳

محکوم را که در واقعه ترور ۴ ایرانی مخالف ایران در سال ۱۹۹۲ در یکی از رستورانهای برلن گناهکار شناخته شده بودند رد کرده است. ۴ محکوم مورد بحث در سال ۱۹۹۷ پس از محاکمه گناهکار شناخته شده بودند. دادستانان این پرونده اعلام کرده بودند که دستور ترور ۴ ایرانی مخالف حکومت از طرف علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور سابق و آیت اله خامنه ای رهبر مذهبی جمهوری اسلامی ایران صادر شده بود...

رسانه ها ۱۸ و ۱۹ آذر؛

جسد محمد مختاری در پزشکی قانونی از طرف خانواده و نزدیکانش شناسایی شد. وی عصر روز پنجشنبه (۱۲ آذر) از منزلش خارج شده و دیگر برنگشته بود. از قول نزدیکانش تاکید شد که جسد عادی نبوده و او خفه شده بود.

رادیو آلمان ۲۲ آذر؛

... روزنامه دولتی ایران گزارش داده است که جسد نویسنده مفقودالثر ایرانی، محمد پوینده پیدا شده است. به گزارش خبرگزاریها جسد محمد پوینده نویسنده ایرانی که از روز چهارشنبه گذشته مفقودالثر اعلام شده بود در حوالی تهران پیدا شده است... پوینده نیز همانند محمد مختاری عضو کانون نویسندگان ایران بود... روزنامه ایران در ادامه گزارش خود می نویسد؛ پوینده بدست یک یا چند نفر خفه شده است.

بهار ایران در پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر: جنایات اخیر (کشتن وحشانه نویسندگان و دگر اندیشان) را از برنامه های مسلم رژیم حاکم دانسته و آن را نیز دلیل دیگری برای بر این نظریه می داند که تنها راه نجات خلق ایران، سرنگونی قهرآمیز کلیت این رژیم به کمک اتحاد بیشتر جبهه سرتکون ساز می باشد.

در حاشیه خبرها

در حاشیه خبرها

﴿م.ح. پیوند﴾

انتصاب برای انتخاب خبرگان! سلطنت فقیه

پلورالیستی، به کمک انصار دیگر بهتر داده شود. مشکل آنها در نحوه اعمال قدرت و سهولت آن است تا بتوانند با در دسر کمتر و راحت تر، یکه تازی کنند. روزنامه سلام ۹ مهر به نقل از جناح رقیب می نویسد: «حداکثر ۴ ماه اعتراض و سروصدا می کنند و در عوض ۸ سال راحتیم». اگر به گفته ها و حرفهای همه افراد درون دستگاه فاسد سلطنت فقیه کمی دقت شود خودشان به نداشتن اختلاف بنیادی با همدیگر به شرط داشتن سهم مورد دلخواه در قدرت اعتراف دارند. **هادی خامنه ای ۱۴ مهر در جمع تحکیم وحدتیهها، خطاب به رقبای خود می گوید: «بگویید ما چه اشکالی داریم؟»** گرم شدن و در واقع گرم کردن تنور انتخابات از ۷ مهر با موضع گیری رفسنجانی رسمیت یافت. او در این تاریخ در یک شوی تلویزیونی گفت: «شورای نگهبان صالح ترین مرجع برای قضاوت در مورد نامزدهای مجلس خبرگان است». ولی پیش درآمد آن درحقیقت با سخنان تهدیدآمیز خامنه ای در ۲۵ شهریور راجع به مطبوعات داخلی و متخلفین از مسیر حوزه فرماندهی خلافت خمینی آغاز گردید. بعد از فرمان سرکوب و حذف مزاحمین درون نظام توسط خامنه ای، جالب است که تسامی عناصر رژیم از جمله مجلس، خاتمی، وزرای کشور و ارشاد و... صحبت از آرامش، تسانومندی و آزادی

شورای نگهبان طی اطلاعیه ای گفت: بعضی از کاندیدها با آزمون صوافستی ندارند و بعضی هم فقط سواد ادبیات عرب را دارا هستند.

بعد از اعلام اسامی معلوم شد که ۳۹۶ نفر داوطلب در کیسه شورای نگهبان قرار گرفته اند که شامل: ۹ زن و ۴۶ بی عمامه و بقیه با عمامه هستند. روزنامه همشهری در ۶ مهر نوشت: «صلاحیت بیش از ۶۰ درصد داوطلبان خبرگان توسط شورای نگهبان مردود شناخته شد». بعد از اعلام مردودیت تعدادی از عناصر باندهای مختلف رژیم و خط امام نیمه پشیمان و ضدامپریالیست! سابق و موافق گفتگوی تمدنهای! فعلی، کشمکش و جنگ الفاظ در چهارچوب تقسیم بندی درونی سیستم ولایت فقیه تشدید می شود. تقسیم بندی درونی دستگاه همانطور که در مقاله های قبل نیز اشاره شده از زمان خمینی، و بنسب به مصلحت کل رژیم در دو شاخه جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیت مبارز به رسمیت شناخته شد. بقیه اسامی باندی حتی اخیراً حزبی! منتسب به همین تقسیم بندی رسمی در درون دربار سلطنت فقیه خلاصه شده و در بین مردم بنام مدنیت و جامعه باز بدون مالیات خرج می شود. مشکل همه باندها و طیفهای گوناگون دربار این است که مثلاً نامزدهای مورد دلخواه همه شان چرا مسورد قبول واقع نمیشود تا پس

در سومین دور انتخابات خبرگان که ۸ سال یکبار صورت می گیرد روند انتخابات مجلس سنای سلطنت فقیه در مجموع در دو مرحله پیش رفت: ۱- مرحله تهاجم برای تثبیت سلطنت فقیه در شرایطی که تعداد آرا مسئله اصلی دستگاه نبود. ۲- مرحله اطمینان از یکپارچگی دستگاه (به خیال خود) و بها دادن به کمیت آرا.

نهم شهریور روزنامه های رژیم نوشتند که فضای عمومی کشور مناسب انتخابات نیست و افراد کمتری شرکت خواهند کرد. آخوند امینی از مدرسین حوزه قم گفت: متأسفانه تبلیغات وسیعی برای انتخابات صورت نگرفته است. رسانه های حکومت در نهم و دهم شهریور اعتراض داشتند که در انتخابات گذشته چند ماه مانده تبلیغات وسیع برای خبرگان شروع می شد ولی حالا کمتر از دو ماه مانده خبری نیست. در همین ایام البته ثبت نام کاندیداتور ها آغاز شده بود و آرام، آرام جنگ قدرت باندها و جناحهای رژیم شروع می گردید. برای نمونه صحبتهایی مبنی بر گلایه و اعتراض طیف استحاله طلب درون و بیرون رژیم مبنی بر حذف بسیاری از نامزدهای داوطلب در رسانه های مختلف داخل و خارج کشور پخش می شد. ۱۸ شهریور رسانه های رژیم اعلام کردند که شورای نگهبان تصمیم دارد از کاندیداها آزمون صلاحیت برای ورود به مجلس را برگزار کند. در همین روزها

خوانندگان البته مرد نیز حتی پخش می شد که اوج درماندگی و به آخر خط رسیدن کسل خلافت و سلطنت فقیه را در ذهن مردم احیا میکند و...

خوشبختانه مردم ماهیت تبهکار چنین مجلسی را از هر باند و تماشایی که باشند خوب شناخته اند و بازار گرمیهای مزورانه اخیر نفرت مردم را به حداکثر رساند. توده ها با عدم رأی قاطع خود نشان دادند که نفس مقوله انتخابات با هر نام و عنوان در دایره شوم ولایت فقیه توهین آشکار علیه خودشان و بشریت قرن بیستم است و این علیرغم پیام بغایت پست و ذلیلانه خاتمی در همان پیامش است که حیات سیاسی همه اوباش دربار ولایت به وجود چنین انتصابات ضد مردمی را به نمایش میگذارد. او می گوید: «ناموفق بودن ما و ناکامی ما در این عرصه لطمه های بزرگی به آرمانهای انقلاب، به وضعیت خود ما خواهد زد». بدین ترتیب با یقین باید گفت که ساختار کلی رژیم قابل شکل گیری نبوده و نیست. دور نیست که کلیت این خلافت ضد بشر بسا قهر مقدس و عصیان توده های خلق در زباله دان تاریخ مدفون شود.

در مورد مطالب ارسالی و نامه ها

- ۱- حتی الامکان همراه با ترجمه ها، نسخه ای از متن اصلی ارسال نمایید.
- ۲- مشخص نمایید مطلب و یا نامه تان با چه نامی در نشریه درج شود.

نی شد که خود خاتمی در پیام تلویزیونی ۲۵ مهر ضمن تعریف حقیرانه از کاندیداهای منفور و جنایتکاری امثال گیلانی و... می گوید: «نامزدهای محترمی که الان در عرصه هستند همگی محترم و شریف هستند».

مفهوم ولایت که خورد روحانیون هم به آن اذعان دارند نوعی سلطنت و حکومت انحصاری است. خمینی می گفت: ولایت، بر فروعاتی مثل نماز و روزه و... ارجحیت دارد. ولی فقیه نماینده خداست و مخالفت با او مخالفت با خداست.

یکی از آشنایان از دوره سپاه دانشی زمان شاه تعریف می کرد که روزی یکی از سپاهیان دانش مردم را به مسجد ده دعوت می کند و در سخنرانی روز اول بعد از کمی مقدمه، در یک جمله می گوید: من، منم، نماینده شاه و مجلس، ختم می شود روز بعد دوباره آن جمله قبلی و اینکه چون شاه اینجا نیست پس، من، منم، خود شاه و بیچاره روستاییان... اینها هم می گویند ولی فقیه نماینده خدا، مخالف او مخالف خدا. در چهارچوب همین طرز تفکر بوده و هست که چه سرها توسط همین خط امامیها، بر بالای دار نرفت و هنوز ادامه دارد.

از بازار گرمیهای دیگر تفریض اختیارات ولی فقیه به وزیر جدید کشور بود. این نوع خیمه شب بازیها، سرگرمی گمراه کننده از طرف امثال خاتمی و سایر جنایتکاران مدره نیست؟ از دیگر بازار گرمیها رد طرح جدا سازی پزشکان، در ظاهر به خاطر گران تمام شدن طرح ولی با توجه به هنگام این اعلام نظر، باز جمع کردن آرا و بالا بردن رقم مورد دلخواهشان بود. در روزهای آخر حتی شنیده می شد که از تلویزیون ملایان سرود: ای ایوان ای مرز پر گهر و صدای برخی

کردند و تبلیغ عظیم رسانه ای و منبری برای داغی تنور انتخابات براه افتاد. تقریباً هر روز با پخش گزارشهای تبلیغاتی از هر استان و خواندن روضه های دایناسوری از حوزه قم آتش تنور را به اصطلاح شعله ورت می ساختند. در اوج تبلیغات انبساط گسیخته تمامی ارکان جمهوری ملایان در ۲۳ مهر رادیو و تلویزیون رژیم جایزه ای را نیز برای بهترین شعار مریوط به انتخاب خیرگان تعیین کرد و...

بازار گرمی و جنگ قدرت در دایره خانواده ولایت فقیه؛ بازار گرمیهای جنگ قدرت باندهای حکومت برای جمع کردن رأی بیشتر از مردم زجرکشیده میهنمان ادامه داشت. زمانی در تنور جنگ با رقیبشان طالبان دمیدند و بعد فقیه را پایین کشیدند. طبرزدی از خط امامیهای سرخورده و متمدن! جدید، حرف دل خورد و زبان حال طیف جدید خلافت را حدود ۱۴ شهریور در مصاحبه با رادیو فرانسه چنین می گوید: اگر قواعد بازی رعایت بشه یعنی شورای نگهبان و گروههایی که دست اندر کارند چهارچوبهای قانونی را رعایت کنند اکثریت قاطع با جبهه ما خواهد بود. معنای سیاسی این حرف ۱- داغ کردن تنور انتخابات ۲- مشروعیت بخشیدن به نفس انتخابات در درون خانواده ولایت فقیهشان ۳- نشان دادن بازار رقابت در درون خانواده ولایت و بالاخره داشتن سهم از خوان یغمای خلافت. قابل توجه است که کلیه رسانه های استعماری-امپریالیستی نیز برای داشتن سهم، البته از داریهای ملت شریف ایران، همین فاکتورها را بشناخته وجود تنشهای واقعی در میدان بازی جناحها و در تنگنا قرار گرفتن طیف سیدخندان خاتمی دانسته و همراه برخی از عناصر استحاله شروع به تبلیغ تنوع آور به نفع او می نمودند و توجه

"شرودر" از حزب سوسیال دموکراتها و ائتلاف او با

حزب سبزهای آلمان

﴿ محاسن - ر ﴾

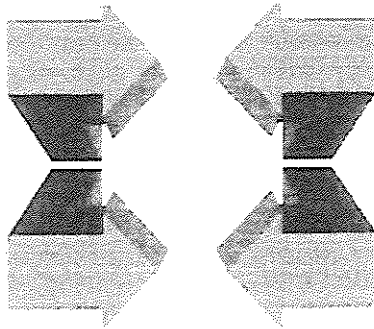
مخالف قدرت زیاد آمریکا و نقوذ این کشور از طریق اسلحه می باشد.

"شرودر" در سخنرانی کوتاهی که پس از پیروزی انتخاباتی ایراد کرد به تلاش برای وحدت آلمان و وحدت حزب سوسیال دموکرات اشاره کرد!

پاورقی:

"گرهارد شرودر" طرفدار سرسخت (ویلی برانت) و پسر یک کارگر معمولی قادر شد برای دومین بار سوسیال دموکراتها را روی کار بیاورد. وی که کارگر ساده یک آهن فروشی بود توانست بعد از اخذ دیپلم دانشگاه را در رشته حقوق به پایان برساند. وی بی پسر بزرگ شده و مادرش برای تامین هزینه زندگی ناگزیر به کار در منازل مردم بود. پدرش سه روز بعد از دنیا آمدنش در جنگ دوم جهانی با درجه گروهبانی جان خود را از دست داد.

۱- این نوشته قبل از تشکیل رسمی حکومت جدید آلمان نوشته شده. (توضیح از بهار ایران)



با حزب سبزها برای اداره کشور آغاز خواهد کرد^(۱). (حداکثر تا سه هفته دیگر بناست روی مسایل توافق به عمل آورند) مواردی که در هفته های آینده سوسیال دموکراتهای آلمان با حزب سبزها بحث خواهند کرد از این قرار است.

۱- مسئله بیکاری که از مبرمترین مسایل است. آمار بیکاری در حال حاضر به ۵ میلیون نفر می رسد که اتحادیه مبارزه با بیکاری هر دو حزب روی آن توافق دارند.

۲- تعطیل نیروگاه اتمی که به احتمال زیاد روی این مسئله به توافق نخواهند رسید چون خود "شرودر" یکی از مسئولین و دست اندرکاران این طرح بوده و مخالف تعطیل شدن نیروگاههاست.

۳- وضع کردن قوانین مالیاتی (اکولوژیسم) برای بهتر کردن محیط زیست بناست که حزب سبزها نرخ بنزین را به لیتری ۵ مارک افزایش دهند که احتمالاً سوسیال دموکراتها موافقت نمی کنند ولی سبزها در نظر دارند بنزین را حداقل تا ۲۰ یا ۳۰ فنیک افزایش دهند.

۴- مسئله سیاست خارجی: در مورد سیاست خارجی بجای "کنیکل" وزیر خارجه آلمان یکی از اعضای حزب سبزها ریاست این وزارتخانه را بعهده می گیرد (به احتمال زیاد فیشر) که تغییراتی در رابطه با رژیم ایران اتخاذ خواهند کرد. "یوتسکار فیشر"

هفته گذشته روز یکشنبه ۲۷ سپتامبر (۵ مهر ۶۷) "گرهارد شرودر" سیاستمدار ۵۴ ساله حزب سوسیال دموکراتهای آلمان در شرایطی بعنوان صدر اعظم آلمان انتخاب شد که این کشور بیش از ۵ میلیون بیکار دارد همانطوریکه پیش بینی میشد نزدیک به ۸۲٪ از واجدین شرایط در این انتخابات بزرگ آلمان شرکت کردند.

رقابت اصلی بین دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال دموکراتها بود که کاندیدای صدر اعظمی "هلموت کهل" برای دموکرات مسیحی و "گرهارد شرودر" برای حزب سوسیال دموکراتها بودند. که "هلموت کهل" بعد از ۱۶ سال حکومت در پایان انتخابات استعفا داد.

در این انتخابات حزب سوسیال دموکراتها با ۴۰٫۹ درصد آرا و حزب دموکرات مسیحی با ۳۵٫۷ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. حزب سبزها که با سوسیال دموکراتها ائتلاف کرده بودند ۶٫۷ درصد آرا را کسب کردند. صدر اعظم آینده را هم حزب سوسیال دموکرات که "شرودر" باشد تعیین خواهد کرد.

"شرودر" همانطوریکه از قبل اعلام کرده بود محور اصلی کسارش را حل مشکلات بیکاری در آلمان گذاشته است. او که در جریان تبلیغاتش مسئله بیکاری را چماقی برای جناح مقابلش "هلموت کهل" قرار داده بود بزودی ائتلاف بزرگ خود را

شعر

دوران جنون

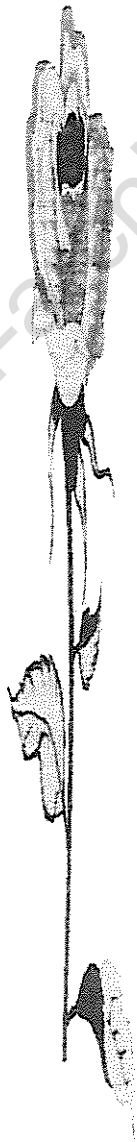
"مارجوری آگوسن" شاعر شیلیایی اکنون ده دوازده سالی است که از سوی مادران جوانانی که در شیلی و آرژانتین مفقودالایر شده اند، با مقامات حقوق بشر، ارتباط و همکاری مستمر دارد.

مجموعه ای از شعرهای "مارجوری آگوسن" با نام "دوران جنون: مادران میدان مایو" اخیراً به دو زبان انگلیسی و اسپانیایی منتشر شده است. این شعرها بیشتر بر اساس زندگی "رنه اپه لوم" زنی آرژانتینی و مادر سه فرزند مفقود اثر سروده شده است. آگوسن هم اکنون در کالج ولسلی ایالت ماساچوستس آمریکا به تدریس ادبیات امریکای لاتین اشتغال دارد.

ترجمه یکی از شعرهای این کتاب را نام "بوتوس آبروس" از نظرتان می گذرد:

بوتوس آبروس

می بوسمش
و اشک می ریزم
هر چند می دانم دیگر
دیر به خانه نمی آید
زیرا خودتان میدانید
سالهاست به خانه برنگشته است،
من این عکس را سکت دوست دارم.
هر روز نگاهش می کنم.
انکار همین دیروز بود که او
همچون فرشته ای بلندار در توشم خفته بود،
بینید چه زیبا و برازنده است
دانشجوی رشته فلسفه،
یکی دیگر از خیل مفقودالانها
اما
ریاست، نه؟
سیمای فرشتگان را دارد، اینطور
نیست؟
اینچور به نظر می رسد که انکار زنده
است،
در ست نمی گویم؟



عکسش را که نشالم می داد
گفت:
این دختر من است،
هنوز به خانه برنگشته است.
این عکس اوست،
بینید چه زیباست
دانشجوی رشته فلسفه است
و اینجا وقتی است که او
چهارده سال بیشتر نداشت.
دوران نخستین ایام شکوفایش،
با ایمان راسخ و تصب شورانگیز.
این دختر من است،
بینید چه زیباست؟
من هر روز با او سخن می گویم.
او دیگر به خانه نمی آید و من دیگر
مثل آنوقتیا سرزنشش نمی کنم.
اما از جان بیشتر می خواهمش.
این دختر من است،
هر شب به او شب به خیر می
گویم.

توسعه ترور و جنایت مبنای توسعه سیاسی در چهارچوب ولایت فقیه

ح. م. پیوند

دشمنان و بیگانگان انناخت»^۱ وزارت اطلاعات، مجلس و سایر ارگانها و باندهای رنگارنگ رژیم هم برای سرپوش گذاشتن به عمق جنایات اخیرشان توجیهاتی شبیه خاتمی و رفسنجانی دارند. همه فرضیه ها نوعی توجیه و هوا کردن توپ سوراخ توهم است که به کمک رسانه های استعمار فقط میخوانند خشم فروخورده توده ها را در اختلاف باندها و جناحهای دستگاه ولایت فقیه به خیال خود خنثی سازند. تمامی ترافندها و دروغهای رژیم حاکی از توطئه ای جدید برای سرهم بندی کردن همه جناحهای اخیر طبق مواضع رئیس جمهور و سایر ایادی جناحهای ولایت فقیه است. با تمام توان و با اتکا به پتانسیل در حال انفجار نهایی توده های محروم باید در مقابل چنین توطئه هایی ایستادگی کرد و آن را افشا نمود.

ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایلی ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

با وجود مشکلات اخیر در جامعه و پیچیدگی شرایط اینطور بنظر می آید که اصولا مخالفان در داخل نباید خود را درگودال جنگ قدرت باندهای رژیم محبوس سازند و حداقل به اعتراضات صنفی خود بطور مستقل شکل اجتماعی دهند. هر نوع خوش بساوری و امسکان آزادی و دموکراسی و کلا توسعه سیاسی، مغایر دستگاه فکری ولایت فقیه است. درستترین روش اعتراض این است که از قایم شدن در پشت جناح یا فریاد از رژیم، پرهیز شود. کما اینکه با کمال تأسف این خطای خوش باورانه منقذی در دوره رفسنجانی پا گرفت و در دوره خاتمی هم همان خطا با این همه پرداخت بها دولره و بطور مضاعف تکرار می شود. برای همه مبارزان داخل و خارج به جز در پیش گرفتن مشی مبارزه برای سرنگونی قهرآمیز کلیت حاکمان خون آشام، چشم انداز دیگری متصور نیست. مشروعیت اتخاذ چنین مشی هم نه حالا بلکه از اوان بروز ماهیت جمهوری ولایت فقیه پس از خرداد سال ۶۰ به اثبات رسیده است و اکنون به

باز توده های مردم تبدیل شده است.

پاورقی:

۱ - رادیر آمریکا ۱۹ آذر

۲ - رادیر اسرائیل ۲۰ آذر

تکانه‌ننده، نشان می دهند که تحقق عملی «نه» به کلیت رژیم، حفظ مرزندی قاطع با تمامیت آن و اتحاد برای سرنگونی در همین راستاست. تا شمشیرهای استبداد و آزادی کشی برای همیشه از صفحه سیاسی مردم ایران حذف کردند. محیط وحشت و ارباب جامعه را فرا گرفته است. مخالفان، مقنن و چند روز بعد خبر قتل همراه با شکنجه شنشنان همه جا پخش میشود. با گسترش اعتصاب کارگران، آنها نیز سرکوب، دستگیر و شکنجه میشوند. جوانان و زنان معترض، به کوچکترین بیانه در معرض آزار و وحشیگری هستند. سرچشمه یواسطه همه جنایات اخیر و ماقبل آن همان فرهنگ استبدادی برخاسته از حاکمیت ولایت فقیه و قانون اساسی بی اساس و پایه جمهوری فقیه است. خیانت، خورش خدمتی و عافیت طلبی که بعضا با توجیه التزام به قانون اساسی رژیم صورت می گیرد همراه با خواری و سست عنصری در برابر خودکامگی و پیشوایی های شاهی و ملایبی دست بدست هم داده اند تا تلامذ این فرهنگ سرکوب عربان و پنهان آدمکشان حرفه ای در دستگاه ولایت فقیه را زمینه ساز باشند. از بنو حاکمیت جمهوری خمینی ساخته، قتل عامها و شکنجه های بی حدوحصر که کلمات از نحوه بیان آن عاجزند در جامعه ما ادامه پیدا کرده است. تعداد بسیاری از افراد سیاسی و وابستگان آنها طی دو سال اخیر نیز در دیده شده اند. صدها هزاران دیگر نیز هستند که فریادشان بیشتر در درون سلولهای مخوف ولایت فقیه، طنین افکن است که جهان از همه آنها یا کمتر باخبر میشود و یا رسانه های وابسته به استعمار و امپریالیسم، نمیخواهند چنین خیرهایی بیشتر مطرح شوند. قتل و ارباب ووشنفکران و نویسندگان در سالهای اخیر نیز از سریال تلویزیونی بنام «هویت» شدت بیشتر و آشکارتری یافت و مثل جلید سرکوب یا این مضمون که «کی بود؟ کی بود؟ من نبودم» گسترش یافتند در مورد جنایتهای اخیر نیز جبهه خان و کتیف استعمار و استحاله میخوانند چنین وانمود کنند که جناح محافظه کار عامل اصلی است و جناح بااصطلاح میانه کم تقصیر است. علیرغم همه این خون آشامیها باز این سؤال مطرح است که این توجیه و فرضیه ها راه به کجا می برد؟ رئیس جمهور خاتم رژیم، وقیحانه می گوید: «که جنایات اخیر کنار مخالفان نظام است»^۱. رفسنجانی نیز در نماز جمعه ۲۰ آذر تهران «گناه جنایات اخیر علیه دگراتیستان را به گردن

فرهنگ استبداد، فضای توسعه سیاسی باند ملرود و خاتم رژیم ولایت فقیه را به توسعه ترور و جنایت تبدیل نمود. جامعه دیکتاتور گریه صا قربانی دنباله همان نهاد کینه و کتیف سرکوب و استبداد بر جای مانده از حاکمیت تاریخی تحمیل زندانی شدن اندیشه و بیان بوده و هستند در پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب ضد سلطنتی ۲۲ بهمن، تروها و سرکوبیهای داخلی در کشورمان ایران نشانگر ارجحی و رخامت اوضاع درون رژیم و رسوایی فرهنگ استبداد و جنایات ضد خلقی خرنخواران حاکم است. ستون خیمه این نوع فرهنگ و بنیاد پوسیده، به لحاظ تاریخی توسط عوامل استعمار و نوجه های وطنی گاهگل مالی شده است. خلق ما هنوز هم از جنگ استوار چنین بنیادی رهایی نیافته است. بنیادی که پایه های آن بر نیندیشیدن و نرسیدن استوار گشته است. اندیشه سیاسی در وطن ما در اثر انواع توطئه ها و خیانتها، فرصت پیدا نکرد که به اصل استحکام و استقلال شخصیت آدمیان و صد البته گروهها و احزاب و... بپردازد و آنها را به رسمیت بشناسد.

جناحهای اخیر در درون جامعه از جمله ترور جنایتکارانه چندین نویسنده و عناصر سیاسی، در دیده شدن افراد سیاسی و حتی وابستگان آنها و سرکوب و اعدامهای مخفیانه و ناگفته دیگر، سلسله طرحها و جنایتهایی از موضع ضعف و زبونی همان گردن زنها و قلم شکنان جناحهای ولایت فقیه است که از همان بنو حاکمیت این رژیم مشغول آن بوده اند. این عملکردهای ضد انسانی همگی در نفی اصول همان اعلامیه جهانی حقوق بشر و در ضدیت با اساس انقلاب ۲۲ بهمن است که حاکمان مستبد ایران عملا آن را به اثبات رسانده اند. ستم و ترور دولت خاتم جمهوری ملایان که در فرهنگ سیاسی جبهه استعمار و استحاله جدا از کلیت رژیم حاکم تبلیغ میشود اینسک اینسک سؤال را در برابر همه سیاسیون بویژه مدعیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران می گذارد: چه راه حلی به جز «نه» به تمامیت باندها و طیفهای فکری- سیاسی حاکمیت ولایت فقیه، ضرورت مشخص روز را تعیین می کند؟ این «نه» راهی به جز سرنگونی قهر آمیز همه این آزادی کشان ملرود و مرتجع، روش دیگری را فراراه اندیشه سیاسی اهل درد و توده های مردم نمی گذارد. خلق محروم ما همواره شمشیر استبداد بر سرشان سایه افکن بوده است. حوادث و جنایات وحیم و

بقیه گزیده هایی از اخبار... از صفحه ۱۹

حقوق بشر

راديو فرانسه ۲۹ مهر؛

«موریس کاپیتورن» گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود به مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد که حقوق بشر همچنان بطور وسیع در ایران نادیده گرفته میشود. موریس کاپیتورن که مقامات جمهوری اسلامی ایران با مسافرت او به ایران موافقت نکردند در گزارش خود افزوده است که هنوز برای استقرار جامعه شکیبا در ایران راه دراز باقی است و در وضعیت زنان تحولی ایجاد نشده است. موریس کاپیتورن می افزاید جامعه بهائیان ایران، همچنان تحت فشار قرار دارند و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است به اعدام بهائیت بدلائیل مذهبی و اعمال تبعیض در مورد این جامعه پایان دهد. ... در مورد آزادی بیان نیز پیشرفت ملموسی به چشم می خورد ولی چنین به نظر می رسد که هر پیشرفتی بلافاصله با یک عقب نشینی همراه است.

راديو رژيم ۲۲ آبان؛

... در این اجلاس بین المللی (در ژنو) که با پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برپا شده بود... کشورهای اسلامی بعنوان نخستین پیشگامان گفتگوی تمدنها ضمن تشریح دیدگاه اسلام در زمینه حقوق بشر، خواستار پایان دادن سیاستهای مغرضانه غرب در مورد حقوق بشر شدند. .

راديو اسرائیل ۲۷ آبان؛

در رابطه با مسئله شکنجه در ایران که در روزهای اخیر برخی افراد جرئت می کنند آن را در روزنامه های تهران مطرح

سازند شهروندی امروز به روزنامه سلام گفت؛ آیا وقت آن نرسیده که به ریشه های شکنجه پرداخته شود آیا شما واقعا عاملین شکنجه کردن را نمی شناسید؟

بی بی سی ۲۸ آبان؛ (کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد)

طی قطعنامه ای نگرانی خود را درباره ادامه نقض حقوق بشر در ایران... ابراز کرده است. این قطعنامه که عمدتا توسط امریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا مورد حمایت قرار گرفت... با ۶۳ رأی موافق در مقابل ۳۵ رأی مخالف و ۶۰ رأی ممتنع به تصویب کمیته فرهنگی، اجتماعی و حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید مساه آینده رسماً به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد رسید.

راديو رژيم ۲۸ آبان؛

... در سالهای گذشته نیز کم و بیش بررسی حقوق بشر در ایران با ترکیب مشابه سال جاری به تصویب میرسید. این قطعنامه ابتدا در زمینه حقوق بشر در ایران تمجید می کند اما متأسفانه القائنات سیاسی، همچنان بقوت خود باقی است. این قطعنامه براساس گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران تنظیم شده است حال آنکه وی بدون بازدید از ایران و صرفاً با اتکا به منابع غیر رسمی و حتی اظهارات معاندان جمهوری اسلامی ایران نسبت به تنظیم گزارش خود اقدام کرده است. .

راديو اسرائیل ۳۰ آبان؛

... کاروکسارگر امروز نوشت؛ هنگام تصویب قطعنامه (حقوق بشر) گروهی از عنافتین که منظور اعضای سازمان مجاهدین است و گروهی از بیانیسان در سازمان ملل بودند که این خود گویای جهتگیری بانیان قطعنامه است. .

راديو آلمان ۱۲ آذر؛

... در گزارش امسال سازمان نظارت بر حقوق بشر (هیومن رایت واچ) آمده است که امسال در بعضی از کشورها نقض حقوق بشر نسبت به سالهای گذشته بسیار افزایش داشته که ایران نیز در زمره آنها قرار دارد... خانم هیگس مسئول سازمان نظارت بر حقوق بشر و رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در ایران می گوید؛ متأسفانه امسال حقوق بشر در ایران نه تنها بهتر نشده بلکه حتی در بعضی موارد نسبت به سالهای گذشته بدتر نیز گردیده است....

اخبار امور خارجی

راديو آلمان ۸ مهر؛

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در پی خودداری از حضور در جلسه وزیران امور خارجه ۶ کشور +۲ که قرار بود در آن بحران جاری مناسبات ایران و افغانستان مورد بحث قرار گیرد دوشنبه شب در سخنانی در انجمن آسیا در نیویورک، امریکا را بعنوان کشوری غیرقابل اعتماد به باد انتقاد گرفت و به گفته کارشناسان عملاً پیشنهاد «مادلین آلبرایت» وزیر امور خارجه امریکا را برای انجام گفت و شنود سیاسی به منظور بهبود مناسبات بین دو کشور رد کرد. با این حال آلبرایت که در ماه مه در سخنانی در انجمن آسیا پیشنهاد کرد ایران و امریکا زمینه راهکار مناسبات بهتری را فراهم آورند دیروز با لحنی آرام به گفته های تند کمال خرازی پاسخ داد و گفت او همیشه می داند که بهبود مناسبات با ایران وقت می گیرد و شکیبایی نیاز دارد... تندگویی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و لحن ملایم وزیر امور خارجه امریکا نشان میدهد که ظاهراً یک طرف تصمیم گرفته است ضمن حفظ

شرایط و مواضع خود کوتاه بیاید آن طرف امریکاست که به نظر می رسد می خواهد توپ را در زمین ایران قرار دهد. ناظران سیاسی اظهار عقیده می کنند که چگونگی پرتاب توپ احتمالا مسیر آینده روابط دو کشور را مشخص خواهد ساخت.

رسانه ها ۸ و ۱۵ آبان؛

در یک آتش سوزی مهیب و تکان دهنده در یک سالن جشن برای نوجوانان و جوانان خارجی (از جمله ایرانی) در شهر «یوتیری» سوئد ۶۷ تن جان خود را از دست دادند و حداقل ۱۹۰ نفر بشدت زخمی شدند. در میان قربانیان این حادثه وحشتناک، هویت جوانان ۱۹ ملیت از جمله چند ایرانی معلوم شده است. ۱۱ آبان به نقل از پلیس سوئد گفته شد که در میان قربانیان دست کم ۱۰ نفر ایرانی هستند و چند ایرانی دیگر در شرایط بدی در بیمارستان بستری می باشند. پلیس سوئد احتمال عملی بودن

این آتش سوزی را رد نکرده است. در ۱۵ آبان پیکر یکی از قربانیان بنام فرزاد فرهوشی در میان آتدوه فراوان والدین و سایر هموطنان تشییع و تدفین گردید. فرزاد جوان قبل از گرفتار شدن در آتش و دود سالن، حداقل جان دو نفر را از مرگ حتمی نجات داده بود. روحش شاد باد.

**[بهار ایران مصیبت وارده را
بر جامعه پناهندگی، بویژه بر
هموطنان و والدین داغدار
قربانیان تسلیت می گوید.]**

خامنه ای نماز جمعه تهران، ۸ آبان؛

(عرفات) انسانی خائن، انسانی به شدت در لجنزار خودپرستی و دنیاپرستی که اصلا لایق نیست انسان او را عضوی از مقاومت فلسطین بداند چه اینکه بخواد رهبر آن مقاومت باشد.

مشگینی نماز جمعه قم، ۱۵ آبان؛
... ملاقات آقای عرفات با رئیس صهیونیستها، با دشمن ترین انسانها این آقا رفت در اونجا باهش دست داد و ملاقات کرد... برای فلسطینیها خائن تر از این آدم پیدا نمیشه... خدا اونا محکوم کرد. پیسر گرامی، ائمه... ایرانیها هم این ملاقات را محکوم می کنند.

رادیو اسرائیل ۱۶ آبان؛

شورای ملی مقاومت که سازمان مجاهدین خلق جناح عمده این شورا است امروز اعلام کرد یک مقام بلند پایه حکومت فلسطینی که بعنوان نماینده ویژه آقای عرفات به بغداد رفته با آقای مسعود رجوی مسئول شورا دیدار و گفتگو کرده است. بنابراین گزارش مسئول فلسطینی آقای عزام الاحمد حمایت جنبش فلسطین را از سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد.

BahareIran@mailexcite.com

آدرس پست الکترونیکی بهار ایران:

✂

فرم اشتراک بهار ایران

Naam:

Adres:

.....
.....

این جانب

مایل به اشتراک بهار ایران از شماره هستم.

تعداد از هر شماره

بو سر سلمان رشدی چه خواهد آمد؟!*

﴿عباس - ر﴾

آخوندها برای قتل سلمان رشدی از کیسه خلیفه خرج می کنند تا بازار دجالیت و حرامزادگی آخوندها همچنان گرم باشد. مشاوران سلمان رشدی گفته اند خود دولت خاتمی این قول را داده که کاری به سلمان رشدی نداشته باشند باز دوباره چه شد که آتش این معرکه زبانه کشید؟! مشاور رشدی خانم سوزان گفت: چرا بنیاد ۱۵ خرداد و حسن صانعی چنین تصمیمی را گرفته اند این خانم بیچاره خبر ندارد که در ایران یک دولت نیست یا خبر از دولت در دولت ندارد و یا خود را به بی خبری زده است. باید به سلمان رشدی و طرفدارانش گفت: نگاهی گذرا به لیست ترورهای خارج از کشور بیندازید تا چنین رژیم بنیادگرا و توتالیتر را بهتر بشناسید و به انگلیسی ها هم باید گفت این راهی که می روید به ناکجا آباد است!! درست است که شما پیر استعمارگر هستید ولی مقوله رژیم خمینی، تروریست تر از آن چیزی است که شما فکر می کنید!

پاورقی:

بنیاد ۱۵ خرداد به سرپرستی حسن صانعی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار پاداش برای سر سلمان رشدی تعیین کرده بود.

سال، دست از سر سلمان رشدی بردارد. و مجال است سرسوزنی در این رابطه کوتاه بیاید. و همانطور هم شد. چند شب بعد از این خبر شنیدم که پاداش برای آوردن سر سلمان رشدی از طرف دانشجویان حزب اله مجدداً ۳۳۳ هزار دلار بر مبلغ قبلی بنیاد ۱۵ خرداد اضافه شده است. حال دانشجویان حزب اله این پولها را از کدام خزانه می بخشند خدا می داند!! در کشور ولایت فقیه که هر کس ساز خود را می زند مشخص است که هر جناحی برای خودش میالغ یاد آورده ای را به تاراج گذاشته اند. درست چند روز از این خبر نگذشته بود که مجدداً شنیدیم (۱۲-۱۰-۹۸) خود بنیاد ۱۵ خرداد مجدداً ۳۰۰ هزار دلار دیگر بر مبلغ قبلی اضافه کرده است. حسن صانعی، آخوند دربار خامنه ای و رئیس ۱۵ خرداد اعلام کرده است که فتوای حضرت امام (خمینی) محکم و استوار پابرجاست و این بزرگترین افتخار بنیاد است که چنین نرخی را برای قتل سلمان رشدی اعلام کرده است!! یعنی در مجموع با یک حساب سرانگشتی ۳ میلیون و ۱۳۳ هزار دلار،

حتما خبر لغو فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی- هندی را در جریان سفر خاتمی به امریکا و شرکتش در جلسه سازمان ملل متحد و ملاقات کمال خرازی وزیر خارجه رژیم با رابین کوک وزیر خارجه انگلیس را شنیده اید. که حاصل این ملاقات لغو این فتوی، برقراری مجدد رابطه رژیم با انگلستان در سطح سفیر و راه اندازی مجدد سفارتخانه های دو کشور بود.

سلمان رشدی در مصاحبه روز اولش بعد از شنیدن این خبر گفت: دیگه آزاد شدم و می توانم مثل سایر مردم و نویسندگان دیگر باشم. وی در آن شب لغو حکم قتلش گفت: یکی از بزرگترین روزهای عمرم امروز است روزی که خبر لغو حکم قتل خود را شنیدم. او گفت اکنون در پوستم نمی گنجم.

ولی این را همه آگاهان به مسایل می دانستند چنین خبرهایی نیست که رژیم یکباره دست از این فتوای ارتجاعی بردارد این حقیر در همان شب گفتم محال است رژیمی با این همه جنایت و با این همه محکومیت در طول ۱۹-۲۰



آدرس:

بهای اشتراک سالانه (با احتساب هزینه پست)

G.IV.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland

اروپا معادل ۲۰ فلورین
آمریکا و کانادا معادل ۱۵ دلار آمریکا
خواهشمندیم بهای اشتراک را مستقیماً به آدرس بهار ایران ارسال نمایید.

'Arme landen betalen rijke landen 250 miljard rente'

"Volkskrant 25 september 1998"

Hij noemt zichzelf een realist, en geen 'alternatieve wereldverbeteraar'. Prof. J. HARROD, deskundig op het gebied van de internationale economie, '4' met cijfers aantonen dat het Westen flink verdient aan de rente van leningen aan ontwikkelingslanden.

Nederlanders denken ten onrechte dat ze genereus zijn bij de financiering van de opvang van vluchtelingen. Maar ze kregen in 1997 per hoofd van de bevolking vierhonderd gulden aan rente en winst uit de landen waar vluchtelingen vandaan komen; in totaal zes miljard gulden.

Prof J. Harrod (63), specialist in internationale economie en oud-hoogleraar aan het Institute of Social Studies (IIS), '41 met cijfers aantonen dat de opvatting dat hulp aan politieke vluchtelingen onbetaalbaar wordt, geen hout snijdt.

Vandaag houdt Harrod in de Haagse Lucaskerk een rede over mensenschendingen en economische belangen. Daarmee sluit hij de week af waarin een vluchtelingenkaravaan door Nederland trok om aandacht voor asielzoekers en vluchtelingen te vragen. Harrod, heeft een aantal boeken op zijn naam staan over internationale economie, arbeidsverhoudingen en de Derde Wereld. Hij doceerde in Jamaica en Washington en werkte in Zwitserland jarenlang als adviseur van de Verenigde Naties. Hij deelde zijn leerstoel bij het 155 met Jan Pronk.

Harrod: 'Ik ben geen naïeve wereldverbeteraar. Ik '41 graag dat burgers feiten te horen krijgen, zodat ze zelf kunnen oordelen. Die feiten zijn dat de rijke landen verleden jaar samen ruim 4400 miljard gulden hadden uitstaan aan leningen aan arme landen.

Ruim 250 miljard gulden aan rente betaalden die landen in 1997, aan de regeringen en banken waarbij ze in het krijt stonden. 'In datzelfde jaar hadden multinationals voor 470 miljard gulden in de Derde Wereld geïnvesteerd. Met een lage schatting maakten ze dat jaar 85 miljard gulden winst. Rente en winst uit de Derde Wereld leveren bewoners uit

de rijke wereld zo'n vierhonderd gulden per jaar op.

Harrod noemt zich een realist die weet dat burgers, geholpen door sommige media, al snel denken dat een land 'vol' zit en dat die nieuwkomers bij elkaar veel te veel kosten. 'Natuurlijk kosten ze

geld, maar vergeet niet dat echte vluchtelingen, en' ik benadruk "echte", naar Nederland komen

omdat ze vervolgd zijn door corrupte landen waar Nederland zaken mee doet en geld van krijgt.'

Harrod is het - moreel gesproken - eens met de Nederlandse bisschoppen die er onlangs voor pleitten om ook economische vluchtelingen toe te laten, omdat armoede ook een vorm van geweld is. 'Maar het is niet reëel.

Armoede is net zo'n schending van de mensenrechten als marteling, maar anderhalf miljard mensen kun je niet verplaatsen, en de wereld is nu eenmaal verdeeld in nationale staten met verschillende niveaus van ontwikkeling.'

Harrod waarschuwt tegen toeneemende geluiden dat de kosten van het venen van asiel aan mensen die vluchten voor onderdrukking en schendingen van mensenrechten, kosten zijn die een natie niet langer kan betalen.

'Je kunt de voordelen die een land verkrijgt uit leningen aan en investeringen in een land dat de mensenrechten schendt, berekenen. Die cijfers zijn openbaar. Dat voordeel blijkt steeds weer vele malen groter dan de kosten voor vluchtelingen uit die landen.'

De oud-hoogleraar heeft overigens de indruk dat er in Nederland wel erg veel vluchtelingen en asielzoekers binnenkomen: 'Veel meer dan de regeringen kunnen martelen.' Hij vindt dat een Nigeriaan die zijn land om politieke redenen ontvlucht, recht van spreken heeft

als hij zegt dat Nederland zoveel voordeel put uit de relatie met Nigeria, dat het geld moet overhebben voor mensen die als slachtoffer van een regime hun land moesten verlaten. 'Desnoods zou extra belasting kunnen worden ingevoerd bij banken en bedrijven die werken met corrupte regimes. De regering zou een fonds kunnen 'reserveren voor zulke politiek vluchtelingen.'

De vluchtelingenkaravaan uitte de klacht dat Nederland deel is van 'Fort Europa'; de muren zijn te hoog voor vluchtelingen. Harrod vindt Fort Europa een 'nare uitdrukking', maar kan ermee leven: 'het moet wel, want de sociale spanningen die een grootschalige immigratie veroorzaakt, zouden onbeheersbaar worden.'

Hij pleit voor een quotasysteem voor vluchtelingen. 'Je kunt erover discussieren hoeveel immigranten een land kan hebben. Als je dat hebt vastgesteld, houd je je aan de quota. Alleen voor wat ik "echte asielzoekers" noem, kun je dan nog plaats inruimen. Maar dan moeten ze wel kunnen aantonen dat ze bij terugkeer op het station of vliegveld in het land van herkomst worden gedood.'

Harrod ('ik zeg dit als burger en niet als wetenschapper') vindt dat

burgers een beroep zouden moeten doen op hun regeringen, ABN-Amro's en Shell's om iets aan de schuldenlast van ontwikkelingslanden te doen. 'Rente op schulden is belangrijker geworden dan winsten van de internationals.

Burgers zouden hun regeringen en banken moeten vragen of het voortgaan op deze wijze wel zo slim is, als blijkt dat geld lenen aan landen met corrupte regimes stromen vluchtelingen genereert.'

Henk Müller

BAHARE IRAN

Nr: 14 Herfst 1998

آدرس بهار ایران:

*Genootschap van Iraanse Vluchtelingen- Nederland
G.I.V.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland*